

گراهر پایه زیر ذره‌بین

هادی جهانشاهی؛ الناز یوسفزاده و با تشکر ویژه از خانم ثمانه چمنی

توضیحات دقیق‌تر در کتاب زبان زیر ذره‌بین

این جزوء مشمول قانون حق مولف است.

فهرست مطالب

۱.....	درباره جزو	-۱
۲.....	پایه نهم	-۲
۲.....	درس اول	-۱-۲
۲.....	حال ساده با استفاده از فعل to be	-۱-۱-۲
۳.....	درس دوم	-۲-۲
۳.....	حال استمراری (present progressive)	-۱-۲-۲
۴.....	نشان دادن مالکیت	-۲-۲-۲
۵.....	درس سوم	-۳-۲
۵.....	حال ساده با فعلی جز (do/ does) to be	-۱-۳-۲
۶.....	شناسه (صفت) ملکی	-۲-۳-۲
۷.....	درس چهارم	-۴-۲
۷.....	جملات پرسشی	-۱-۴-۲
۸.....	قید تکرار	-۲-۴-۲
۸.....	درس پنجم	-۵-۲
۸.....	گذشته ساده (افعال باقاعده)	-۱-۵-۲
۹.....	گذشته ساده با فعل to be	-۲-۵-۲
۱۰.....	درس ششم	-۶-۲
۱۰.....	گذشته ساده (بی قاعده)	-۱-۶-۲
۱۱.....	ضمیر مفعولی	-۲-۶-۲
۱۲.....	پایه دهم	-۳
۱۲.....	درس اول	-۱-۳
۱۲.....	آینده ساده	-۱-۱-۳
۱۴.....	انواع اسم	-۲-۱-۳
۱۴.....	شناسه ها	-۳-۱-۳
۱۵.....	درس دوم	-۲-۳
۱۵.....	انواع صفات (adjectives)	-۱-۲-۳

۱۵.....	- ۲-۲-۳ ترتیب قرارگیری صفات
۱۶.....	- ۳-۲-۳ محل قرارگیری صفت
۱۷.....	- ۴-۲-۳ بیان شباهت با استفاده از صفت
۱۷.....	- ۵-۲-۳ صفت مقایسه‌ای (comparative adjectives)
۱۷.....	- ۶-۲-۳ صفت عالی (superlative adjectives)
۱۹.....	- ۳-۳ درس سوم
۱۹.....	- ۱-۳-۳ گذشته استمراری (past progressive)
۲۰.....	- ۲-۳-۳ ضمایر انعکاسی و تأکیدی
۲۱.....	- ۳-۳-۳ فعل
۲۱.....	- ۴-۳ درس چهارم
۲۱.....	- ۱-۴-۳ افعال کمکی
۲۳.....	- ۲-۴-۳ حرف اضافه مکان
۲۳.....	- ۳-۴-۳ حرف اضافه زمان
۲۴.....	- ۴-۴-۳ قید

۲۵	پایه یازدهم - ۴
۲۵.....	- ۱-۴ درس اول
۲۵.....	- ۱-۱-۴ اسامی قابل شمارش (countable) و غیرقابل شمارش (uncountable)
۲۸.....	- ۲-۱-۴ جمله ساده
۳۰	- ۲-۴ درس دوم
۳۰.....	- ۱-۲-۴ پیشوند و پسوند
۳۱.....	- ۲-۲-۴ حال کامل
۳۳	- ۳-۲-۴ افعال چندقسمتی (Phrasal verbs)
۳۴.....	- ۴-۲-۴ اسم مصدر (Gerund) چیزی است
۳۶.....	- ۳-۴ درس سوم
۳۶.....	- ۱-۳-۴ شرطی نوع اول (Type I) (Conditional sentences)
۳۷.....	- ۲-۳-۴ صفت از ریشه فعلی (Participial adjective)

۳۸	(Infinitives) to م مصدر با - ۳-۳-۴
۳۹	پایه دوازدهم - ۵
۳۹	-۱-۵ درس اول
۳۹	-۱-۱-۵ کلمات پرسشی
۴۰	-۲-۱-۵ هم آیند (collocation)
۴۱	-۳-۱-۵ افعال معلوم و مجھول
۴۲	-۴-۱-۵ سوالات کوتاه (Tag questions)
۴۳	-۵-۱-۵ جملات ترکیبی (Compound Sentences)
۴۴	درس دوم - ۲-۵
۴۴	-۱-۲-۵ عبارات ربطی (relative clauses)
۴۵	-۲-۲-۵ شرطی نوع دوم (Type II) : (Conditional sentences)
۴۶	درس سوم - ۳-۵
۴۶	-۱-۳-۵ ضرب المثل (Proverbs)
۴۷	-۲-۳-۵ مجھول (Passive voice)
۴۷	-۳-۳-۵ گذشته کامل (Past perfect tense)
۴۹	تکنیک‌های درک مطلب - ۴-۵
۴۹	-۱-۴-۵ سطحی خوانی (Skimming)
۴۹	-۲-۴-۵ پیمایش (Scanning)
۴۹	-۳-۴-۵ تشخیص مرجع کلمات (Recognizing Reference Words)
۵۰	-۴-۴-۵ بر جسته سازی (Highlighting)
۵۰	-۵-۴-۵ هم خانواده‌ها (Word Families)
۵۰	-۶-۴-۵ عنوان (Topic Sentence)
۵۱	-۷-۴-۵ جملات پشتیبانی‌کننده (Supporting Sentences)
۵۱	-۸-۴-۵ نتیجه‌گیری (Concluding Sentence)
۵۲	افعال بی قاعده : (Irregular verbs) - ۶

۱- درباره جزو ۱

کتاب‌های سری «زبان عمومی زیر ذره‌بین» ماحصل تلاشی گسترده بوده و با هدف تحلیل منطقی و نگرشی نو به درس زبان عمومی مشترک میان کلیه رشته‌ها در مقاطع تحصیلات تكمیلی داخل و خارج کشور ارائه گردیده است. این جزو، پیش‌نیاز لازم برای شروع مطالعه آن سری کتب است. دانستن مطالب گرامری این جزو، برای تمام داوطلبان کنکور کارشناسی، ارشد و دکتری الزامی است. همچنین، تسلط بر گرامر به کیفیت و درستی ترجمه کمک شایانی خواهد نمود.

جزوه حال حاضر، با تلاش مؤلفین کتاب زبان زیر ذره‌بین تدوین شده است و امكان نگارش آن بدون کمک‌های سرشار سرکار خانم ثمانه چمنی هرگز ممکن نبود. ضمن تشکر از ایشان به اطلاع تمام خوانندگان می‌رساند، این جزو رایگان است و هرگز نباید خرید و فروش شود. اشتراک‌گذاری آن حلال است و توصیه می‌شود به شرط آنکه نام مؤلفین و منبع هنگام اشتراک‌گذاری حذف نشوند. با توجه به قرارگیری جزو ۱ در صفحه ویژه کتب زبان زیر ذره‌بین، این جزو به ثبت کتابخانه ملی رسیده است و هرگونه کپی‌برداری از مثال‌ها، ترجمه‌ها، جملات و توضیحات مشمول پیگرد قانونی خواهد بود.

این جزو را با برنامه موجود در کanal تلگرام برنامه‌ریزی رایگان مطالعه زبان، [@GeneralEnglishPlan](#)، به اتمام رسانید. طبق آن برنامه، پس از اتمام این جزو و جزو مستقل لغات پایه، می‌باشد سراغ کتاب زبان عمومی زیر ذره‌بین بروید. بهترین منبع برای گسترش حرفه‌ای و آکادمیک دانش لغات زبان انگلیسی ویژه فارسی‌زبانان، کتاب زبان عمومی زیر ذره‌بین، چاپ نگاه دانش است. توضیحات بیشتر درباره این مجموعه در صفحات پایانی جزو داده شده است. شما عزیزان می‌توانید انتقادات، پیشنهادها و یا هر سؤال مرتبط با این جزوات و کتب را از طریق آی‌دی تلگرام [@ZabanZireZarrebin](#)، یا با مراجعه به وب‌سایت رسمی این کتاب به آدرس [GeneralEnglish.ir](#) با ما در میان بگذارید.

در کanal تلگرامی ما به آدرس [Telegram.me/GeneralEnglish](#) به تست‌های رایگان گرامر و واژگان آزمون‌های زبان داخلی دسترسی خواهید داشت. حتماً در این کanal عضو شده و مطالب و پشتیبانی‌های مرتبط با کتاب را دنبال کنید. همچنین آموزش تصویری واژگان پر تکرار کنکور نیز در اینستاگرام مجموعه به آدرس [Instagram.com/generalenglish](#) قابل دسترسی خواهد بود. برنامه رایگان مطالعه زبان انگلیسی از صفر (مطالعه پایه) تا سطح پیشرفته در کanal تلگرام [Telegram.me/GeneralEnglishPlan](#) به همراه صدھا تست تألیفی با پاسخ تشریحی آرشیو شده است.

و این جزو، تقدیم به لبخند کوچکی از پدر و مادر عزیزمان که تمام داشته‌مان را مدیونشانیم.

النازیوسف‌زاده بری - هادی جهانشاهی

تیرماه ۱۴۰۱

۲- پایه نهم

۱-۱- درس اول

۱-۱-۲- حال ساده با استفاده از فعل to be

وقتی از فعل با زمان حال ساده از مصدر be (بودن) صحبت می‌کنیم، منظورمون is، am و are است.

حال ساده (مثبت)		
I	am	
He	is	
She		
We		happy.
You		
They	are	

- ☞ Samaneh **is** clever. شمانه باهوش **است**.
- ☞ It **is** red. این قرمز **است**.
- ☞ Zahra and Nadia **are** generous. زهرا و نادیا بخشنده **هستند**.

توجه * برای سؤالی کردن فعل از ریشه to be کافیه اون رو به اول جمله منتقل کنیم.

حال ساده (سؤالی)		
Am	I	
Is	he she	
Are	we you they	careful?

توجه * برای منفی کردن جمله‌ای که فعلش از ریشه to be باشد باید not رو به پس از اون اضافه کنیم.

- ☞ I **am not** talkative. من پرحرف **نمی‌باشم**.
- ☞ He **is not** shy. او خجالتی **نمی‌باشد**.
- ☞ They **are not** rude. آن‌ها بی‌ادب **نمی‌باشند**.

توجه * همچنین شناسه an برای کلماتی که به صورت صدادار شروع می‌شون استفاده می‌کنیم a برای کلماتی با حروف بی‌صدا استفاده می‌کنیم، مثلاً در پایین، eraser با «e» شروع می‌کنند که صداداره و باید an بیاریم (یک پاک‌کن / پاک‌کنی) و computer که در تلفظ با «ک» شروع می‌کنند و بی‌صدا هست باید a بیاریم (یک کامپیووتر / کامپیوتري).

توجه * برای صحبت در مورد «وجود داشتن» یا «بودن» از there + to be استفاده می‌کنیم. همانند مثال‌های صفحه بعد.

There	is	an a one	eraser computer	in the classroom.
	are	two three many some	students	

توجه * منفی کردن و سؤالی نویسی برای there + be طبق قاعده قبلی انجام می‌شود.

آیا یک سبب روی میز است؟ بله هست.

تعداد زیادی توریست در شهر وجود ندازند (نیستند).

توجه * می‌شه افعال را خلاصه نویسی کرد. شکل خلاصه این افعال را در پایین می‌بینید. این حالت در محاوره متداول است نه در نوشтар رسمی.

- | | | |
|---------------------------------|--------------------------|-------------------------------|
| ☞ I am a teacher. | = I' m a teacher. | من یک معلم هستم. |
| ☞ He is polite. | = He' s polite. | /ون مؤدب. |
| ☞ It is cold. | = It' s cold. | /ون سرد (سرد). |
| ☞ We are Iranian. | = We're Iranian. | ما / ایرانی هستیم. |
| ☞ You are students. | = You're students. | شما دانش آموز / دانشجو هستید. |
| ☞ They are hard-working. | = They're hard-working. | آنها پرتابش هستند. |

۲-۲- دوست دوم

۱-۲-۲- حال استمراری (present progressive)

توضیح درباره کاری که در حال حاضر در حال انجام است.

+ شکل ساده فعل + am/is/are + فاعل

حال استمراری (ثبت)			
I	am		Persian. English. Arabic. French. German.
He/ She	is	speak ing	
They/ We/ You	are		

توجه * برای منفی کردن اونا، کافیه تا not رو پس از فعل جمله که از ریشه be است منتقل کنیم.

- ☞ I **am not** speaking Persian من در حال فارسی صحبت کردن نیستم.
- ☞ I'm **not** speaking Persian.

- ☞ You **are not** reading a book. تو در حال خواندن کتاب نیستی.
- ☞ You're **not** reading a book.
- ☞ You **aren't** reading a book.

- ☞ She **is not** writing a letter. اور حال نوشتن نامه نیست.
- ☞ She's **not** writing a letter.
- ☞ She **isn't** writing a letter.

توجه * برای سؤالی نویسی، کافیه تا **be** را به ابتدای جمله منتقل کنیں:

Yes/No Questions			
Am	I		a book?
Is	he	reading	short stories? newspapers?
Are	they		a poem?

- ☞ **Is** Sara booking online? آیا سارا در حال آنلاین رزرو کردن‌هے؟
- ☞ **Are** you visiting Iran? آیا تو در حال بازدید از ایران هستی؟

توجه * در سؤالی نویسی با کلمه پرسشی (**who, when, how, where**) و ...، باید **be** را به پس از آن و پیش از فاعل منتقل کنیم.

Wh Questions				
How Where	am	I		
	is	he	going	?
	are	they		

- ☞ What **is** she playing? اون داره چه بازی ای می‌کنه؟
- ☞ Who **is** speaking to the teacher? چه کسی داره با معلم صحبت می‌کنه (در حال صحبت کردن با معلمه)؟

۲-۲-۲- نشان دادن مالکیت

مالکیت را به دو شکل نشان می‌دهیم. با's و یا با.of.

توجه * در مالکیت با's، اول مالک و سپس مملوک می‌آید.

- ☞ Zahra's scarf روسربی زهرا
- ☞ Ali's shirt پیراهن علی

توجه * در صورتی که فاعل جمع باشد و یا خود به s ختم شده باشد، دیگر نباید's، اضافه کرد. در این حالت، اضافه کردن «'」 به تنها یک کفاایت است.

- ☞ Teachers' office دفتر معلمان

توجه* در مالکیت با of، اول مملوک و سپس مالکیت می‌آید.

The wheels of the car	چرخ‌های ماشین
The legs of the chair	پایه‌های صندلی
The door of the room	دریاچه

دروس سوم - ۳-۲

۱-۳-۲ - حال ساده با فعلی جز (do / does) to be

در این بخش حالتی رو بررسی می‌کنیم که فعل ما چیزی جز be باشد. در مثال پایین فعل ما like (دوست داشتن) است.

حال ساده (مثبت)		
I We You They	like	New Year holidays.
He She	likes	

- ☞ We study English. ما انگلیسی مطالعه می‌کنیم.
- ☞ Yasin reads a newspaper. یاسین روزنامه می‌خواند.
- ☞ Ali watches TV. علی تلویزیون تماشا می‌کند.
- ☞ Zahra studies her lessons. زهرا درس‌هایش را مطالعه می‌کند.

توجه* در حالتی که فاعل ما سوم شخص مفرد باشد (he, she, it، و یا هر اسم مفرد دیگه‌ای)، در زمان حال ساده، به فعل s یا es اضافه می‌شود. اینکه چه موقع s اضافه شود، چه موقع es و چه موقع کلاً شکل فعل عوض شده، استثنایاً داره اما قانون زیر بهتون کمک می‌کند این رو یاد بگیرید. توجه کنید که این یه نکته حفظی هست اما وقتی با زبان در ارتباط باشید، ناخودآگاه اون رو یاد می‌گیرید.

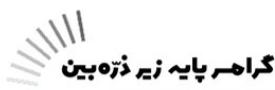
اکثر فعل‌ها با افزودن **s** به انتهایشون به حالت سوم شخص مفرد می‌رن (مثلًا **play** **see** **run** **go** **mix** **guess** **watch** **watches**) به جز حالت زیر:

❖ افزودن **es** به کلماتی که به صدای «س»، «ش»، «ج» و «ز» ختم می‌شن - مثلًا **sh tch x ch ss** و یا **z** ختم .mix **mixes** **guesses** **watches** **watches** بشن:

❖ افزودن **es** به کلماتی که به ۰ ختم می‌شن: **do** **does** **go** **goes** **is** **has** **am/are**

❖ تبدیل **u** انتهای فعل به **ies** در صورتی که قبل از **u** حرف بی صدا بود: **party** **parties** **study** **studies** **fly** **flies**

❖ افعال **بی قاعدة**: **have** **has** **am/are** **is**



حالا شما بگید شکل سوم شخص مفرد حال ساده افعال زیر به چه شکله؟*

pass, echo, tax, spy, try, display, boil, hurry, follow و teach.

*passes, echoes, taxes, spies, tries, displays, boils, hurries, follows, teaches.

توجه * برای منفی یا سؤالی کردن افعالی جز be، در حال ساده ما do یا does (سوم شخص مفرد) رو به جمله اضافه می‌کنیم.

حال ساده (منفی)				
I We You They	do	not	buy	new clothes.
He She	does			

- ☞ I don't play tennis. من تنیس بازی نمی‌کنم.
- ☞ Zahra doesn't wash the dishes. زهرا ظرف‌ها رونمی‌شوید.

حال ساده (سؤالی)				
Do	I we you they	buy	goldfish	?
Does	he she Hamid			

۲-۳-۲ - شناسه (صفت) ملکی

به شناسه‌ای گفته می‌شود که پیش از اسم اومده و مالکیت یک فرد/چیز بر اون اسم رو نشون می‌دد.

- ☞ I read my book. I my من کتاب‌جم رومی خونم.
- ☞ You wash your car. you your تو ماشینت رو می‌شوری.
- ☞ He cleans his room. he his اون اتاقش رو تمیز می‌کنه.
- ☞ She studies her lessons. she her اون درس‌هاش رو مطالعه می‌کنه.
- ☞ The cat drinks its milk. it its گربه شیرش رو می‌خوره.
- ☞ We paint our house. we our ما خونه‌مون رو زنگ می‌کنیم.
- ☞ They eat their lunch. they their اونا غذاشون رو می‌خورن.

۴-۲- دوس چهارم

۱-۴-۲- جملات پرسشی

توجه * در اصطلاح به who (چه کسی)، what (کدام)، which (چه وقت)، where (کجا)، whom (چه کسی)، (چرا) و البته how (چطور) می‌گیم wh questions how مشخصاً با wh شروع نمی‌شه اما در مجموع همه شون رو این طور صدا می‌کنیم. با اینا می‌شه جمله رو سؤالی کرد بر طبق توضیحات زیر.

توجه * اگر فعل ما be بود (در زمان حال و یا گذشته ساده)، اون رو به بعد از کلمه پرسشی منتقل می‌کنیم.

Wh Questions				
What	is	that		?
Where	are	those		

بهترین دوست توکیه؟ برادرم بهترین دوستم. **Who is** your best friend? **My brother** is my best friend.

توجه * اگر فعل ما هرچی به جز to بود برحسب زمان جمله، فعل کمکی مناسب رو به بعد از کلمه پرسشی منتقل می‌کنیم. مثلًا در زمان حال ساده از do یا does برای این کار استفاده می‌کنیم. (does برای سوم شخص مفرد و do برای سایرین)

Wh Questions				
When	do	I you we they		go
Where				?
Why				
How	does	he she		

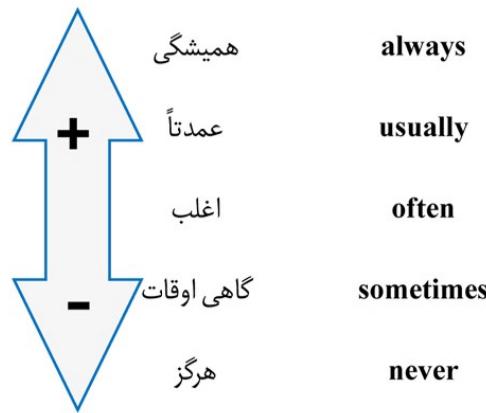
توجه * هر زمان که به جمله does اضافه بشه، فعل اصلی دیگه نباید s یا es بگیره. (همانند مثال قبل)

- ☞ **What do** you study? I study **French**. چی داری می‌خونی؟ فرانسه می‌خونم.
- ☞ **Where do** you live? We live **in Marivan**. شما کجا زندگی می‌کنید؟ ما در مریوان هستیم.
- ☞ **What does** your father do? He **washes his car**. پدرت چی کار می‌کنه؟ ماشینش رو می‌شوره.
- ☞ **When does** she wake up? She wakes up **at 6.00**. اون کی بیدار می‌شه؟ ساعت ع بیدار می‌شه.
- ☞ **Who helps** children? **The teacher** helps them. کی به دانش آموزان کمک می‌کنه؟ معلم به اونا کمک می‌کنه.

توجه * مثال آخر که با who نوشته شده، شکل محاوره‌ای داره و در حالت رسمی باید به این شکل نوشته بشه:

- ☞ **Who does** help children?

۲-۴-۲ - قید تکرار



- ☞ She **always** studies hard.
- ☞ **Usually** I wear black, grey, or brown.
- ☞ He **often** plays outside.
- ☞ **Sometimes** I think he dislikes me.
- ☞ They **never** come late.

او همیشه سخت مطالعه می‌کند.

ممکن‌باشد من سیاه، خاکستری و یا قهوه‌ای می‌پوشم.

او اغلب بیرون بازی می‌کند.

بعضی وقتاً فک می‌کنم که اون از من بدش می‌ماید.

آن‌ها هیچ وقت دیر نمی‌آیند.

۵-۲ - درس پنجم

۱-۵-۲ - گذشته ساده (افعال باقاعده)

با افزودن ed به انتهای بسیاری از افعال می‌توانیم شکل گذشته اونا را بسازیم. برای مثال watch رو می‌شه به زمان گذشته برد اگه ed رو به انتهاش اضافه کنیم (کمی جلوتر افعال بی‌قاعده رو هم خواهید دید که از این قاعده تبعیت نمی‌کنن).

گذشته ساده (مثبت)			
I			
You			
We			
They			
She			
He			
	watched		
		TV	
			yesterday. last night. last week. two days ago.

- ☞ He received **ed** an e-mail.
او یک ایمیل دریافت کرد.
- ☞ They closed **ed** the door yesterday.
آن‌ها در راه دیروز بستند.

توجه * برخلاف زمان حال ساده که سوم شخص s یا es داشت و از بقیه متمایز بود، توی زمان گذشته از این تبعیض‌ها نداریم و همه یکسان هستند و با **ed** گرفتن به حالت گذشته درمیان.

توجه * فعل کمکی برای منفی کردن یا پرسیدن در زمان گذشته (درصورتی که فعل اصلی (to be) نباشد، did خواهد بود. می‌توانیم بیاریم اول جمله و جمله رو سوالی کنیم، یا اینکه بعدش not اضافه کنیم و به پیش از فعل منتقل کنیم و جمله منفی بشه.

گذشته ساده (منفی)

I			
You			
We			
They			
He			
She			

did not/ didn't

download

the book.

توجه * دقت کنین که وقتی did میاد تو جمله دیگه فعل ed نمی‌گیره و همواره باید شکل ساده نوشته بشه. پس تو مثال بالا خبری از downloaded نیست و تو مثال پایین خبری از searched نخواهد بود. قبلاً هم مشابه همین رو با do و does دیده بودیم.

Yes/No Question

Did	I			
	you			
	we			
	they			
	he			
	she			

- ☞ What **did** she do? / او چه کاری کرد؟
- ☞ What **did** Amir update? / امیر چه چیزی رو بروز رسانی کرد؟
- ☞ When **did** they connect to the Internet? / آن‌ها کسی به اینترنت متصل شدند؟
- ☞ Where **did** you watch the movie? / تو کجا اون فیلم رو دیدی؟
- ☞ Who **listened** to the poem? / چه کسی به آن شعر گوش داد؟

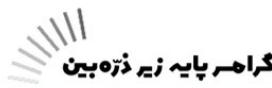
توجه * بازم باید یادآور شد مثال آخر شکل محاوره داره. در نوشتار رسمی باید did رو حتماً بیاریم و بعدش فعل رو ساده بنویسیم.

۲-۵-۲- گذشته ساده با فعل to be

قبلًاً خوندیم که در زمان حال، فعل to be بر حسب اینکه فاعل چیه، تبدیل می‌شه به is، am، are. حالا باید یاد بگیرید که در گذشته این فعل تبدیل می‌شه به was و were. ما از was برای فاعل مفرد و از were برای فاعل شکل جمع استفاده می‌کنیم. البته دقت کنین که you تحت هر شرایطی چه معنی «تو» بده و چه معنی «شما» با were میاد.

یه سری استثناء پیشرفت‌هه تر داره که بعداً توی کتاب زبان زیر ذره‌بین خواهد خوند.

- ☞ I **am** happy. من دیروز خوشحال بودم.
- ☞ I **was** happy yesterday. اومورت پیش خوشحال بودم.
- ☞ He **is** happy. او هفته پیش خوشحال بود.
- ☞ He **was** happy last week.



- | | | |
|--|---------------------------------------|---|
| ☞ She is happy. | ☞ She was happy last month. | او ماه گذشته خوشحال بود. |
| ☞ They are happy. | ☞ They were happy last winter. | آن ها زمستان گذشته خوشحال بودند |
| ☞ You are happy. | ☞ You were happy yesterday. | تو/شما دیروز خوشحال بودی/بودید. |
| ☞ I am not/m not happy. | ☞ I was not/ wasn't happy. | من خوشحال نبودم. |
| ☞ We are not/aren't happy. | ☞ We were not/ weren't happy | ما خوشحال نبودیم. |
| ☞ There was a newspaper in the library. | | یک روزنامه توی کتابخانه وجود داشت. |
| ☞ There were many messages in my mailbox. | | پیام های زیادی در صندوق الکترونیکی وجود داشتند. |

توجه * دو مثال آخر شکل گذشته وجود داشتن هستند.

۶-۲- دوس ششم

۱-۶-۲- گذشته ساده (بی قاعده)

همه فعل ها «هلو بپر تو گلو» نیستند! متأسفانه نمی شه همه رو با ed به زمان گذشته برد. مثلاً speak به speaked تبدیل نمی شه! این به این معناست که باید استثنایات رو که بهشون میگیم irregular verbs یا افعال بی قاعده بلد باشید. جدول خوبی ازشون در صفحه آخر جزو او مده.

سؤال اینجاست: «آیا باید اون جدول افعال بی قاعده رو بلد باشیم؟». پاسخ خیلی ساده است: «اگه اون جدول رو حفظ نکنیں، مثل این هست که نخواید انگلیسی یاد بگیرید!» مهم ترین جدول گرامری زبان انگلیسی بدون شک همون هست و صد درصد به ترجمه و درک جملات و نقش زمانی شون کمک می کنه. پس اگه بلد نیستید حتماً شروع کنین به حفظ کردنشون.

گذشته ساده (ثبت)			
I			
You			two days ago.
We			yesterday.
They			last night.
He	spoke	English	last week.
She			

توجه * در مثال بالا شکل بی قاعده فعل speak رو می بینیم. speak یعنی « صحبت کردم/کردی/کردیم/کردید/کردند!» به این معنا که شکل گذشته ربطی به فاعل نداره و فاعل هرچی باشه، فعل یکسان میاد! حداقل خدا رو شکر زبان انگلیسی مثل فارسی نیست که صد جور صرف کردن فعل داشته باشه!

گذشته ساده (منفی)

I				
You				
We				
They				
He				
She				

did not/didn't

speak

English

two days ago.
yesterday.
last night.
last week.

Yes/No Question

Did	I			
	you			
	we			
	they			
	he			
	she			

speak

English

?

توجه* سؤالی نویسی و منفی کردن مثل قبله. کافیه که did not به پیش از فعل بیاد و یا did بیاد اول جمله. فقط دقت کنیں که مثل قبل بازم باید فعل به صورت ساده باشه. پس وقتی فعل کمکی اضافه می شه، دیگه spoke نداریم و speak توی هردو اومده.

- ☞ **What did** she write? /ون چی نوشت؟
- ☞ **What did** Amir buy? /امیر چی خرید؟
- ☞ **When did** they read the book? /ونا کسی کتاب رو خوندند؟
- ☞ **Where did** you break your leg? /تو کجا پاتو شکستی؟
- ☞ **Who** ate the cake? /چه کسی کیک رو خورد؟

توجه* مثال آخر با who، خیلی محاوره است و در حالت رسمی باید did بیاد و فعل تبدیل به شکل ساده بشه.

۲-۶-۲ - ضمیر مفعولی

ضمیر در حالت کلی جانشین اسمه. طبیعتاً مهم‌ترین کار ضمیر مفعولی هم جانشین مفعول شدنه!

☞ I	☞ me	He called me . او به من زنگ زد.
☞ you	☞ you	I am talking to you . دارم با تو حرف می زنم.
☞ she	☞ her	Mina looked at Zahra/ her . مینا به زهرا (اون) نگاه کرد.
☞ he	☞ him	They saw Ali/him in the park. اونا علی (اون) روتوبارک دیدند.
☞ it	☞ it	You hurt the cat/it . توبه گربه (اون) آسیب زدی.
☞ we	☞ us	They invited us . اونا ما رودعوت کردند.
☞ they	☞ them	She read the books/ them . او کتابا (اونا) رو خوند.

۳- پایه دهم

۱-۳- درس اول

۱-۱-۳- آینده ساده

* اولین کارکردش زمانیه که می خوایم از کاری که تو آینده انجام می شه و معنی خواستن می ده صحبت کنیم.

شكل ساده فعل + will + فاعل

آینده ساده (مثبت)

I You He She We They	will	save	nature.
-------------------------------------	-------------	------	---------

☞ Sogol and Kimia **will** go to the library tomorrow.

سوگل و کیمیا فردا به کتابخانه خواهند رفت.

☞ Taha **will** fly to Australia next Monday.

طaha دوشنبه آینده به استرالیا پرواز خواهد کرد.

توجه * با همین مثالها می شه این نتیجه رو گرفت که فاعل مون چه سوم شخص باشه و چه جمع باشه و یا هرچیز دیگهای،

فعل ما شکل ساده میاد. پس اون s یا es بعد از فعل مختص حال ساده بود.

آینده ساده (منفی)

I You He She We They	will not / won't	destroy	nature.
-------------------------------------	-------------------------	---------	---------

☞ The children **will not** play in the yard.

بچه ها در حیاط بازی نخواهند کرد.

☞ I **won't be** here tomorrow.

من فردا/اینجا نخواهم بود.

توجه * آینده ساده، با افزودن not بعد از will منفی می شه. شکل مخفف will not هم won't هست.

آینده ساده (سؤالی)

Will	you he / she we they	go	to the mountain?
-------------	-------------------------------	----	------------------

☞ **Will** our family buy a new car next year?

آیا خانواده ما سال آینده یک ماشین جدید خواهد خرید؟

☞ **Will** Reza have an exam on Monday?

آیا رضا روز دوشنبه امتحان دارد؟

توجه * سوالی کردن هم که ساده است. مثل همیشه فعل کمکی (در اینجا will) رو به قبل از فاعل منتقل می کنیم.

* دومین شکلش برای نشان دادن عملیه که در آینده نزدیک انجام می شه و به معنای قصد داشتن هست.

شکل ساده فعل + **to be (am/is/are) + going to + فاعل**

I	am	going to	play	tomorrow.
He	is			
She				
You	are			
We				
They				

☞ Pedram is free tonight. He's **going to** read some poems. پدرام امشب بیکاره. او **قصد داره** کمی شعر بخونه.

☞ Reza **is not going to** watch TV tonight. The program is very boring.

رضا امشب **قصد نداره** (نمی خواهد) تلویزیون تماشا کنه. برنامه خیلی خسته کننده اس.

☞ We **are not going to** destroy nature. We take care of wildlife.

ما **قصد نداریم** (نمی خوایم) طبیعت روتخریب کنیم. ما از حیات وحش مراقبت می کنیم.

* برای پرسیدن از برنامه های دیگران یا برای مطرح کردن برنامه های خودمون از «آینده ساده» استفاده می کنیم:

☞ -: **What are you going to do this weekend?**

قصد داری آخر هفته چی کار کنی؟

☞ -: I am going to go to Golestan Forest.

قصد دارم به جنگل گلستان برم.

☞ -: **Are you going to visit a museum?**

آیا **قصد داری** (نمی خوای) از موزه ای بازدید کنی؟

☞ -: No, I am going to go out and enjoy wildlife.

نه. **قصد دارم** (نمی خوام) برم بیرون و از حیات وحش لذت ببرم.

* می شه از ساختار **will** هم برای سؤال پرسیدن یا جواب دادن در مورد « برنامه های آینده » صحبت کرد.

می خوای چی کار کنی؟ / **قصد انجام دادن چه کاری رو داری؟**

☞ -: I will / I am going to

می خواهم / **قصد دارم**

☞ -: **Where will you go? / Where are you going to go?**

می خوای کجا ببری؟ / **قصد داری کجا ببری؟**

☞ -: I will go / I'm going to go

می خوام برم / **قصد دارم برم**

توجه * پس به طور خلاصه **be going to** یعنی « **قصد دارم/قصد داری/...** » و **will** یعنی « **می خواهم/می خواهی/...** ».

۲-۱-۳ - انواع اسم

- ◎ **A person or an animal:** farmer, my brother, and Maryam.
- ◎ **A place:** school, cinema, and sea.
- ◎ **A thing:** computer, apple, and car.
- ◎ **An idea:** pain, attention, and danger.

توجه * دقت کنین که نام فرد یا مکان یا شهر و کشور همیشه باید با حرف بزرگ شروع شه. پس هرگز در زبان انگلیسی maryam نداریم و فقط و فقط Maryam داریم. همین طور تو انگلیسی iran یا tehran هم نداریم! شما بگید: چی داریم به جاشون؟

توجه * یه نکته دیگه هم که باید زودتر از اینا می‌گفتیم اینه که تمام جملات انگلیسی بلاستنا با حرف بزرگ باید شروع بشن. اگه این کار رو توی نوشتن رعایت نکنین، مثل فردی می‌مونه که سواد نوشتن درست و حساسی نداره! پس خیلی خیلی حساس باشید:

- ☞ he is a first-year student at the University of Tehran. **☒** حتماً روی شروع نکردن جملات با حرف کوچیک حساس باشید
 ☞ He is a first-year student at the University of Tehran. **✓**

★ جمع یا مفرد بودن:

بیشتر اسامی برای تبدیل شدن به اسم جمع "s" و "es" احتیاج دارن اما از شناسن بدم ما همیشه استثنای هم وجود داره و برخی از اسامی بی‌قاعدهن و از این فرمول تبعیت نمی‌کنن.

Regular	book	☞ books	lake	☞ lakes
	girl	☞ girls	hen	☞ hens
	box	☞ boxes	bus	☞ buses
Irregular	man	☞ men	foot	☞ feet
	woman	☞ women	life	☞ lives
	child	☞ children	wolf	☞ wolves

بی‌قاعده‌ها رو به مرور یاد می‌گیرید اما مهم‌هاش رو که در بالا او مده حتماً باید همین الان بلد باشید.

۳-۱-۳ - شناسه‌ها

قبل از اسم هم یه سری شناسه (کلماتی برای بیان تعداد، معرفه/نکره بودن، مالکیت و ...) می‌تونه بیاد. ساده‌ترین هاشون رو در جدول زیر می‌بینید.

a / an	a hunter / a leopard/ an elephant / an ear
the	the child / the boy/ the women / the cars
this / that	this bird / this door/ that tiger / that chair
these / those	these chairs / these children/ those men / those mice
my / your / our / his / her / its / our / their	his goat / our car / my friends / their towns

توجه * قبلًا یاد گرفتیم از a قبل از اسم مفرد نکره که شروعش بی صدا هست استفاده می شه و از an قبل از مفرد نکره که شروعش صدادار باشه. حالا دو تا مثال می زنیم که این موضوع بهتر جا بیفته. an: an honest person: اینجا گفتیم an درحالی که بعدش به نظر میاد که h او مده اما خود حرف مهم نیست که چطوری هست، مهم اینه که چطور تلفظ می شه. honest رو «آنیست» تلفظ می کنیم، یعنی با «آ» که صداداره شروع می شه پس an براش درسته. يا: a university: باز هم u به نظر صدادار میاد اما آوردیم. دلیلش اینه که university به صورت «یونیورسیتی» تلفظ می شه و «ی» بی صدا هست پس باید باهاش a بیاد. این کلمات چی باید بیاد (a یا an)؟

student, town, child, umbrella, hour, one-room apartment, history, U-turn, SSD*

a student, a town, a child, an umbrella, an hour, a one-room apartment, a history, a U-turn, an SSD*

توجه * در مقابل the دیگه براش صدادار بودن یا نبودن مهم نیست. حتی جمع یا مفرد هم مهم نیست. همین که اسمی معرفه باشه از the در کنارش استفاده می کنیم.

توجه * سایر موارد هم که شامل this/ that هست که با مفرد میاد و these/ those که با جمع میان. شناسه های ملکی هم که باید بلد باشید و ربطی به جمع یا مفرد ندارن چون هم می تونم بگم کتابهای هم می تونم بگم کتابهای.

۲-۳- دوس دوم

۱-۲-۳ - انواع صفات (adjectives)

- ◎ **Quality/ Opinion:** nice, neat, and boring. کیفیت یا عقیده: زیبا، تمیز و خسته کننده.
- ◎ **Size:** small, tall, and short. اندازه: کوچک، بلند و کوتاه.
- ◎ **Age:** young, new, and modern. سن/قدمت: جوان، تازه و مدرن.
- ◎ **Color:** black, red, and dark. رنگ: مشکی، قرمز و تیره.
- ◎ **Nationality:** Iranian, Canadian, and Chinese. ملیت: ایرانی، کانادایی و چینی.
- ◎ **Material:** wooden, rocky, and golden. جنس ماده: چوبی، سنگی و طلایی.

۲-۲-۳ - ترتیب قرارگیری صفات

اسم، جنس، ملیت، رنگ، شکل، سن، اندازه، کیفیت، شناسه

determiner, quality, size, age, shape, color, nationality, material, noun

☞ a big black American car

یک ماشین بزرگ سیاه آمریکایی

☞ a nice handsome young man

یک مرد باحال خوش تیپ جوان



شما به عنوان تمرین، هر دسته را مرتب کنید. (جواب‌ها به صورت وارونه در ادامه آمده):

- 1) blue, cotton, socks
 - 2) large, room, circular, a
 - 3) a, raincoat, blue, plastic
 - 4) a, table, old, wonderful, bamboo
 - 5) a, lampshade, round, huge, paper
 - 6) singer, a, young, famous, Iranian
 - 7) well-known, a, middle-aged, Canadian, businessman
 - 8) nice, old, leather, armchair, a, comfortable *
-
- 8) a nice comfortable old leather armchair
 - 6) a famous young Iranian singer
 - 7) a well-known middle-aged Canadian businessman
 - 4) a wonderful old bamboo table
 - 5) a huge round paper lampshade
 - 1) blue cotton socks
 - 2) a large circular room
 - 3) a blue plastic raincoat

توجه * برای یادگیری این ترتیب، فرمول‌های خاصی هم هست که کار رو ساده می‌کنه. اونا رو بعداً توی خود کتاب زبان زیر ذره‌بین (یا جلد دوم و یا جلد دکتری زیر ذره‌بین) خواهید خوند.

۳-۲-۳- محل قرارگیری صفت

* قبل از اسم

- ☞ an **interesting planet** یه سیاره جذاب
- ☞ two **small balls** دو تا توپ کوچیک
- ☞ **red cells** سلول‌های قرمز

* بعد از فعل to be

- ☞ Human body **is amazing**. بدن انسان شگفت‌انگیزه.
- ☞ She **was** so **happy**. اون بسیار خوشحال بود.
- ☞ Venus **is smaller** than Earth. زهره کوچیک‌تر از زمینه.

Adjectives		
Look at the I just watched an They are He works with	blue interesting amazing powerful	sky! movie. people. computers.

- ☞ Many **interesting** animals live in forests of Iran. جانوران شگفت‌انگیز بسیاری در جنگلهای ایران زندگی می‌کنن.
- ☞ Milad's father is a very **tall** man. پدر میلاد، مرد خیلی قد بلندیه.

توجه * البته جایگاه صفت محدود به این دو نیست و شکل‌های دیگه‌ش رو بعداً توی خود کتاب زبان زیر ذره‌بین (یا جلد دوم و یا جلد دکتری زیر ذره‌بین) یاد خواهید گرفت. در همین حد برای شروع کافیه.

۴-۲-۳- بیان شباهت با استفاده از صفت

ساختار as ... as در حالی که بینش صفت او مده، برای این منظور استفاده می شد.

as + adjective + as

به همان اندازه فلان جور

		Adjectives	
Sara is		as kind as	Neda.
Our class is		as big as	your class.

- ☞ His grandfather is **as old as** my grandfather. (دارای سن یکسان هستن) پدریزگ اون به پیری (همسن) پدریزگ منه.
- ☞ Tigers are **as dangerous as** lions. (به همان اندازه خطرناک) ببرها به خطرناکی شیرها هستن.

۵-۲-۳- صفت مقایسه‌ای (comparative adjectives)

برای مقایسه بین دو چیز یا دو نفر از صفت مقایسه‌ای (برتری) استفاده می‌کنیم. نشانه‌هاش این‌است:

-er, less, more, (than)

(از)، بیشتر، کمتر، تر

		Comparative Adjectives	
Damavand is		taller	<u>than</u> Dena.
Asia is		bigger	<u>than</u> Europe.
Omid is		younger	<u>than</u> Reza.

- ☞ Karoon is **longer than** Atrak. کارون طولانی تر از اترکه.
- ☞ Mars is **smaller than** Jupiter. مریخ کوچک تر از مشتریه.

۶-۲-۳- صفت عالی (superlative adjectives)

برای بیان بهترین یا بدترین بودن درون یک جمع از صفت عالی (برترین) استفاده می‌کنیم. نشانه‌هاش این‌است:

(the) شناسه ملکی یا -est, least, most

بیشترین، کمترین، ترین

		Superlative Adjectives	
Damavand is		the tallest	mountain of Iran.
Asia is		the biggest	of all.
Omid is		the youngest	student of our class.

- ☞ Karoon is **the longest** river of Iran. کارون بلندترین رود در ایران است.
- ☞ Jupiter is **the largest** of all. مشتری بزرگ‌ترین آن هاست (سیاره‌ها).

توجه * بعد از صفت مقایسه‌ای که معادل «تر» توی فارسیه، «از» برای قیاس میاد. نمی‌شه چون ترجمه‌ش می‌شه «از»، ما از of که همین معنی رو می‌دن استفاده کنیم! فقط و فقط than برای قیاسه.

توجه * در طرف مقابل اگه بخوایم با استفاده از صفت عالی بگیم یکی بهترین یا بدترین توی فلان جمع یا گروه هست، می‌شه از of استفاده کرد. توی مثال‌های بالا چند باری دیدیش.

توجه * آیا همیشه than یا of رو باید بیاریم؟ پاسخ منفیه. فقط وقتی بخوایم قیاس مستقیم کنیم می‌باید اما نیمی از موقع اثری از این دو حرف اضافه نیست:

- ☞ You'll have to be **more careful** next time. تو باید سری بعدی مراقب تر باشی.
- ☞ I think you are **the least suitable** person for the job. من فک می‌کنم تو کم‌صلاحیت‌ترین فرد برای این شغلی.

*جدول بعضی از صفات بی‌قاعده:

Adjective	Comparative	Superlative
good	better	the best
bad	worse	the worst
far	farther	the farthest
many / much	more	the most
little	less	the least

- ☞ This problem is **more difficult than** that one. Actually, this is **the most difficult** problem of the book. این مسئله سخت‌تر از اون یکیه. در واقع، این سخت‌ترین مسئله کتابه.
- ☞ Persian zebras are **more beautiful than** African zebras. They are **the most beautiful** of all. گورخرهای ایرانی زیباتر از گورخرهای آفریقایی‌ان. اونا زیباترین گورخرها هستند.
- ☞ This laptop is **more expensive than** that one. It is **the most expensive** of all. این لپ‌تاپ گران‌تر از اون یکیه. این گران‌ترین لپ‌تاپ بین همه شونه.
- ☞ Sharks are **more dangerous than** whales. They are **the most dangerous** animals of the sea. کوسه‌ها خطرناک‌تر از نهنگ‌هان. اونا خطرناک‌ترین حیوانات دریا هستن.

gold	is	expensive.	
	is	more expensive than	silver.
	is	the most expensive	metal.

هنگام توصیف جزییات یا سؤال پرسیدن از رنگ، سایز، کیفیت، سن،.... از صفات کمک می‌گیریم.

- ☞ -: **How was the movie?** فیلم چطور بود؟
- ☞ -: It was very **interesting**. I am going to watch it again. خیلی باحال بود. قصد دارم دوباره اون رو تماشا کنم.
- ☞ -: **Was it an old film?** یعنی اون یه فیلم قدیمی بود؟
- ☞ -: Yeah, actually it was **black** and **white**. بله. راستیش یه فیلم سیاه و سفید بود.

و بد نیست فرم این نوع سؤال جواب رو یاد بگیرید:

- ☞ How is (was).....? It is (was) **interesting / beautiful / nice**, ...

چطور(بود)؟ اون هست (بود) جذاب / زیبا / خوب

- ☞ What color is it? It is **black / white / yellow**, ...

اون چه رنگیه؟ اون هست سیاه / سفید / زرد

- ☞ Was it a **modern** house? Yes, it was. (No, it was an **old** house).

آیا اون یک خونه مدرن (جدید) بود؟ بله اون بود. (نه اون یک خونه قدیمی بود.)

Adjectives	Comparative	Superlative
hot	hotter	my/the hottest
big	bigger	his/the biggest
red	redder	its/the reddest
easy	easier	their/the easiest
cloudy	cloudier	its/the cloudiest
happy	happier	our/the happiest

۳-۳-۳ درس سوم

۱-۳-۳ گذشته استمراری (past progressive)

برای نشون دادن اینکه عملی به طول انجامیده از ترکیب زیر استفاده می شه:

+ شکل ساده فعل + **was/were** + **ing** + فاعل

توی فارسی معمولاً اون رو «داشتم/داشتی / داشت/... می....» یا «در حال بودم/بودی/بود/...» ترجمه می کنیم.

گذشته استمراری (مثبت)		
I He / She The computer / It	was	working on a difficult problem
We You They	were	at 4. when the power went out.

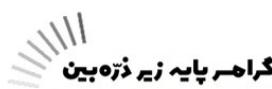
- ☞ The scientist **was doing** research in his laboratory during 1370.

دانشمند در دهه ۱۳۷۰ در آزمایشگاه خودش داشت به تحقیق می پرداخت (در حال تحقیق بود).

- ☞ Newton **was sitting** under a tree when an apple hit his head.

نیوتن زیر درختی نشسته بود (در حال نشستن بود) وقتی که سیبی به سرش برخورد کرد.

گذشته استمراری (منفی)		
I He / She The computer	wasn't	working on a difficult problem
We You They	weren't	at 4. when the power went out.



- ☞ Tina **wasn't reading** a novel when her mother came in. She **was studying** her GEUS book.
تینا رمان نمی خوند (در حال خوندن رمان نبود) وقتی مادرش وارد شد. او در حال مطالعه کتاب زبان زیر ذره بین ش بود.
- ☞ Reza **was not doing** an experiment when the phone rang. He **was solving** a math problem.
رضآ آزمایشی انجام نمی داد وقتی تلفن زنگ زد. او در حال حل مسئله ریاضی بود.

گذشته استمراری (سؤالی)			
Was	I he/Hossein she/Farideh the computer	working on a difficult problem	at 4? when the power went out?
Were	we you they		

- ☞ **Was** Mahsa **doing** her homework when her mother called?

آیا مهسا در حال انجام تکالیفش بود وقتی مادرش صدا زد؟

- ☞ **Were** they **talking** when the teacher came in?

آیا آن ها در حال صحبت بودند وقتی معلم وارد شد؟

۲-۳-۳ - ضمایر انعکاسی و تأکیدی

بر انجام فعلی توسط فاعل تأکید دارد. توی فارسی به صورت «خودم/ خودت/ خودش/ خودشان/ ...» ترجمه و صرف می شه.

I You Niloofar AmirSalar The computer Ehsan and I You and your friends The scientists	did the experiment	myself. yourself. herself. himself. itself. ourselves. yourselves. themselves.
--	--------------------	---

- ☞ Alexander Graham Bell invented the telephone **himself**.
الکساندر گراهام بل تلفن را اختراع کرد خودش.

- ☞ Marie Curie found uranium **herself**.
ماری کوری اورانیوم را کشف کرد خودش.

به طریق زیر هم می شه گفت:

I You Niloofar AmirSalar The computer Ehsan and I You and your friends The scientists	myself yourself herself himself itself ourselves yourselves themselves	did the experiment.
--	---	---------------------

- ☞ Alexander Graham Bell **himself** invented the telephone.
الکساندر گراهام بل خودش تلفن را اختراع کرد.

☞ Marie Curie **herself** found uranium.

ماری کوری خودش اورانیوم را کشف کرد.

☞ I asked him a few questions about **himself**.

من ازش چند سوالی درباره خودش پرسیدم.

توجه * مثال آخر حالت انعکاسی است، چون **himself** از **him** است و نقش جدیدی داره (متمن یا مفعول حرف اضافه است) اما تو تمام مثال‌های قبل تر نقش تأکیدی داشت، چون نقش مجازی نداشت و صرفاً تأکید و تکراری بر فاعل بود.

۳-۳-۳ - فعل

کلمه‌ای که انجام عمل یا حالتی رو توصیف می‌کنه.

action verb ★: انجام دادن عملی را توصیف می‌کنه. مثلاً:

☞ He **is writing** a letter.

او در حال نامه نوشتن است.

☞ The children **went** to school by bus yesterday.

بچه‌ها دیروز با توبوس به مدرسه رفتند.

☞ My brother **drinks** milk every day.

برادرم هر روز شیر می‌خورد.

در این فرم می‌شه هم از حالت ساده استفاده کرد و هم حالت استمراری:

☞ I **cleaned** my room yesterday.

اتفاق را دیروز تمیز کردم.

☞ I **am cleaning** my room now.

الآن در حال تمیز کردن اتفاقم هستم.

توجه * البته زمان‌های دیگه هم در زبان انگلیسی وجود داره که بعداً می‌خونین.

state verb ★: حالتی رو بیان می‌کنه. مثلاً:

☞ We **believe** in Allah.

ما به خدا اعتقاد داریم.

☞ We **love** our country.

ما کشورمون رو دوست داریم.

☞ She **feels** happy.

اون احساس خوشحالی می‌کند.

در این نوع از افعال، معمولاً از زمان ساده استفاده می‌کنیم و خیلی شکل استمراری براشون متداول نیست.

☞ I **don't know** the name of the street.

من اسم خیابان را نمی‌دانم.

☞ Kids **love** chocolate.

بچه‌ها شکلات دوست دارند.

۴-۳ - درس چهارم

۱-۴-۳ - افعال کمکی

این افعال به فعل اصلی اضافه می‌شن و به اون رنگ و بوی تازه میدن! مثلاً بهش حالت دستوری/توصیه‌ای اضافه می‌کنن یا حالت احتمال رخ دادن چیزی و یا از جنس توانستن هستند و ...

افعال کمکی (مثبت)				
I			speak	English.
You	can		watch	TV.
He	may		get	a passport first.
She	must		be	careful in a foreign country.
We	should			
They				

- ☞ You **must** drive carefully. شما باید باحتیاط رانندگی کنیں.
- ☞ The tourists **may** stay in Iran for two more days. توریست‌ها ممکنه دو روز بیشتر تو ایران بموన.
- ☞ The translator **can** speak four languages متترجم می‌تونه به ۴ زبان حرف بزن.
- ☞ Everyone **should** respect other people's culture. هرکسی باید به فرهنگ مردم دیگه احترام بداره.

توجه * بعد از افعال کمکی فقط و فقط و فقط شکل ساده فعل میاد. مثلاً has نداریم! چون has شکل سوم شخصه یا he can going شکل done نداریم چون I must done و حتی he should have/ he can go/ I must do فقط شکل ساده میاد:

افعال کمکی (منفی)				
I			speak Japanese.	
You	cannot (can't)		watch TV.	
He	may not		get a passport first.	
She	must not		be careless in a foreign country.	
We	should not (shouldn't)			
They				

- ☞ Children **must not** eat fast food. It is not good for their health. بچه‌ها نباید فود بخورند. اون برای سلامتی شون خوب نیست.
- ☞ Please help me. I **cannot** swim. لطفاً کمکم کنید. من نمی‌تونم شنا کنم.

افعال کمکی (سؤالی)				
Can May Must Should	I you he she we they		speak Korean? watch TV? get a passport first? be careful in a foreign country?	

- ☞ **Should** travelers protect nature? آیا گردشگران باید از طبیعت محافظت کنند؟
- ☞ **May** I sit down? می‌تونم بشینم؟

توجه * مثل همیشه برای منفی کردن بعدشون باید not بیاریم و برای سوالی کردن اون فعل کمکی رو میاریم اول جمله. این یعنی دیگه فعل اصلی جابجا نمی‌شه و فقط فعل کمکی به پیش از فاعل منتقل می‌شه حتی اگه فعل مون be باشه.

از افعال کمکی، برای درخواست کردن و یا کارهایی که باید / نباید انجام داد، استفاده می‌کنیم:

- ☞ -: **May I use your camera for my trip?** ممکنه از دوربینت برای سفرم استفاده کنم؟
- ☞ -: Honestly, no. I need it this week. You **should** buy a camera for yourself. صادقانه بگم نه. من این هفته لازمش دارم. بهتره یکی برای خودت بخری.
- ☞ -: But I **can't** pay for it now. I **should** pay for the ticket and other things. اما من **نمی‌تونم** آن براش هزینه کنم. باید پول بلیت و بقیه چیزها رو بدم.
- ☞ -: Well, you **may** ask Sahar. She **can** help you. خب، **می‌توانی** از سحر سوال کنی. اون **می‌توانه** کمک کنه.

مثال‌های بیشتر:

- ☞ **May I leave the class?** Yes, you **may**. **می‌توانم** کلاس روتک کنم؟ بله **می‌توانی**.
- ☞ **Should they be more careful?** Yes, they **should**. آیا اونا **باید** بیشتر مراقب باشند؟ بله. **باید** باشند.
- ☞ **Must we drive fast?** No, you **must not**. آیا ما **باید** سریع تر بروئیم؟ نه شما **نباشد**.
- ☞ **Can he speak French?** No, he **can't**. آیا او **می‌توانه** فرانسه حرف بزنده؟ نه. او **نمی‌توانه**.

توجه * شما باید معنی این افعال کمکی رو بدونین. توی کتاب زیر ذره‌بین بازم اینا رو می‌بینین اما برای آن بهتره بدونین که can یعنی «توانستن و ممکن بودن»، could شکل گذشته can هست (گرچه در حال هم استفاده می‌شه). may یعنی «ممکن بودن و توانستن» و شکل گذشتهش might هست (گرچه might توی حال هم میاد). must به معنای باید و اجباره و should بیشتر از اینکه اجبار باشه، توصیه است. جز اینا بازم فعل کمکی داریم که بعداً خواهید دید.

۲-۴-۳- حرف اضافه مکان

In	Tehran / Beirut Italy / Pakistan Asia / Europe
On	the table / the desk page 5
Next to	the hospital / the post office
In front of	the bank / the station

۳-۴-۳- حرف اضافه زمان

In	the morning / the afternoon / the evening September / Shahrivar (the) spring / summer/ fall/ winter Norouz 2016/ 1395
At	8 o'clock night / noon midnight / midday sunrise / sunset

On	Wednesday / Friday Monday morning / Tuesday evening vacation / holiday
----	--

توجه* حرف اضافه‌ها بیشتر حفظی هستند. خیلی نمی‌شه فرموله شون کرد اما باید در حد جدول بالا بدونیں. اینکه توی جدول بالا نوشته on Friday باز Saturday هم میاد (به این معنی که با روزهای هفته on میاد). تمام موارد بالا، تنها مثالی از هر جنس برای شمامست.

۴-۳-۴- قید

اغلب اطلاعات اضافه‌ای در مورد فعل می‌ده. بعضی قیدها به ما می‌گن چطوری اتفاقی روی داده. این نوع قیدها «قید حالت» نام دارن و معمولاً حاصل اضافه شدن ly به انتهای صفتی هستن.

☞ It is an **easy** language. We can **learn** this language **easily**.

این یه زبان آسونه. ما می‌تونیم به راحتی این زبان رو یاد بگیریم.

☞ Saghar is a **careful** driver. She **drives** **carefully**.

ساغر راننده با دقیقه. او با دقت رانندگی می‌کنه.

☞ The woman was **happy**. She **spoke** **happily**.

اون زن خوشحال بود. او با خوشحالی صحبت می‌کرد.

☞ Sina is **polite**. He **talks** **politely**.

سینا مودبه. او مودبانه صحبت می‌کنه.

توجه* این قیدهای بالا همه از ریشه صفتی ساخته شده بودن و از قصد صفت (به رنگ آبی) هم توی همون جمله آورده بودیم که فرق کارکردن رو درک کنین.

توجه* بعداً یاد می‌گیرید که قید کارکردهای دیگه‌ای هم جز توصیف فعل داره. کمی باید صبور باشید.

* ساخت قید

اغلب صفت‌ها با اضافه کردن ly- به قید تبدیل می‌شن.

quick ☞ quickly ||| real ☞ really

صفاتی که y- دارن تبدیل به ily- میشن.

angry ☞ angrily ||| easy ☞ easily

صفاتی که -ble- دارن تبدیل به -bly- میشن.

possible ☞ possibly ||| probable ☞ probably

قیدهای بی‌قاعده

fast	☞ fast		late	☞ late
hard	☞ hard		good	☞ well

توجه* البته کلی قید هم داریم که اصلاً ly ندارن. مثلاً yesterday قید زمانه یا always قید تکراره.

۴- پایه یازدهم

۱-۱- درس اول

۱-۱-۴- اسامی قابل شمارش (countable) و غیرقابل شمارش (uncountable)

اسم مفرد قابل شمارش Singular countable	اسم جمع قابل شمارش Plural countable	اسم غیرقابل شمارش Uncountable
a car	two / three / four cars	- traffic
a book	some / many books	some / much information
a bird	lots of / a lot of birds	lots of / a lot of chicken soup
a man	few / a few men	little / a little bread

- ☞ -: How many cars are there in the street? چند تا ماشین توی خیابان هستن؟
- ☞ -: How many books do you need? چند تا کتاب لازم داری؟
- ☞ -: There are two/three/four/some/many/lots of/a lot of/a few/few cars.
- ☞ -: I need two/three/four/some/many/lots of/a lot of/a few/few books.
- ☞ -: How much information does your teacher need? چه مقدار اطلاعات معلمت نیاز دارد؟
- ☞ -: How much bread is there in the kitchen? چه قدر نون تو آشپزخونه هست؟
- ☞ -: She needs some/much/lots of/a lot of/a little/little information.
- ☞ -: There is some/much/lots of/a lot of/a little/little bread.

توجه * اسامی ای که می شه شمردشون، میشن قابل شمارش! چه تعبیر خنده داری! D: ولی واقعیت همینه. مثلًا می تونیم بگیم دو تا کتاب، ۵ تا ماشین، ۱۰ تا دانشجو، ۱۰۰ تا خونه و یعنی همه اینا رو تونستیم بشماریم پس کنارشون تونستیم عدد بیاریم. از اونور بعضیا رو نمی شه شمرد یا نمی شه کنارشون «ها»‌ی جمع آورده. مثلًا نمی شه گفت اطلاعات ها! یا نمی شه گفت ۵ تا اطلاعات دارم!! این یعنی information غیرقابل شمارش. البته همیشه هم به این سادگی نیست و همیشه استثنای هم هست. مثلًا توی فارسی «نان» رو می شماریم اما توی انگلیسی bread غیرقابل شمارش. خیلی قانون نمی شه برash گذاشت اما خیلی از کلماتی که خوردنی/نوشیدنی هستن، غیرقابل شمارش هستند ولی باز برای یادگیری باید اجازه بدید زمان بگذرد و انقدر ببینیدشون تا ملکه ذهننتون بشن.

توجه * برای اسامی غیرقابل شمارش که نمی شه شمردشون، می شه از یه سری شمارنده مقداری استفاده کرد که اجازه شمردن رو به ما بده. مثلًا نمی شه گفت ۲ تا برنج (علوم نیست دو تا دونه برنج یا دو تا کیسه برنج) اما با آوردن کلمه ای مثل گونی یا کیسه میشه گفت ۲ تا گونی برنج. یا دو تا بطربی آب (نه ۲ تا آب)، دو تا فنجان قهوه (نه ۲ تا قهوه) و ... اینا رو به شکل تصویری هم در جدول پایین آوردهیم. دقت کنین که استثنای همیشه هست. مثلًا قهوه رو نمی شه شمرد اما اگه رفید کافی شاپ و به فروشنده بگید two coffees please، اصلاً مرتکب اشتباهی نشیدید و کاملاً متداله.

a bottle of		two, three, ...	bottles of	water
a cup of		two, three, ...	cups of	tea, coffee
a glass of		two, three, ...	glasses of	water, juice
a bag of		two, three, ...	bags of	rice, sugar
a piece of		two, three, ...	pieces of	cake, paper
a slice of		two, three, ...	slices of	melon, banana
a kilo of		two, three, ...	kilos of	meat, rice
a loaf of		two, three, ...	loaves of	bread

توجه* برای اسامی غیرقابل شمارش میشه از ظرف شون یا وزن و مقدارشون برای شمارش استفاده کرد.

توجه* اسامی غیرقابل شمارش، s جمع نمی‌گیرند. اوナ طبیعتاً شمارنده (one, two, three, ...) هم نمی‌گیرند.

توجه* با اسامی غیرقابل شمارش، همیشه فعل مفرد میاد. البته اگه بگیم دو فنجان قهوه، طبیعتاً دیگه فعل جمع میشه، چون هسته ما فنجان هست نه قهوه.

* اعداد قبل از اسم

Numbers (اعداد)	Nouns (اسامی)
a/one	car
an/one	apple
two, three, four, five, six, seven, eight, nine, ten	tables
eleven, twelve, thirteen, fourteen, fifteen, sixteen, seventeen, eighteen, nineteen	chairs
twenty, twenty-one, twenty-two,, twenty-nine	students
thirty, thirty-one, thirty-two,, thirty-nine	trees
forty, forty-one, forty-two,, forty-nine	horses
fifty, fifty-one, fifty-two,, fifty-nine	books
sixty, sixty-one, sixty-two,, sixty-nine	boxes
seventy, seventy-one, seventy-two,, seventy-nine	children
eighty, eighty-one, eighty-two,, eighty-nine	bags
ninety, ninety-one, ninety-two,, ninety-nine	men
one hundred, two hundred, three hundred,	languages
one thousand, two thousand, three thousand, four thousand,	birds
one million, two million, three million,	cells
one billion, two billion, three billion,	dollars

توجه * اگه عددی بزرگتر از یک، قبل از اسم قابل شمارش بیاد، به اون اسم s جمع (بعضی جاها es) اضافه می‌کنیم. در همین راستا، one / a / an به اسم s اضافه نمی‌کنن چون نشانه مفرد هستند.

توجه * تمام اسامی بالا، طبیعتاً قابل شمارش بودن که باهشون عدد اومند. مثالی خوب براتون هست که بیشتر منطق قابل شمارش بودنشون رو درک کنین.

توجه * برای گفتن دویست، سیصد، دو هزار، صد هزار، دویست میلیون و، همونطور که تو مثال‌های بالا هم دیدید، نیاز نیست که به این thousand یا million اضافه کنین. فقط یه جا بهشون s اضافه می‌شه، اونم وقتیه که بخوایم بگیم: ده‌ها، صدها، هزاران، میلیون‌ها و توی این حالت، بعدشون of میاد و بعد از of اسم جمع میاد.

 tens of films / hundreds of books / thousands of students / millions of people

ده‌ها فیلم / صدها کتاب / هزاران دانشجو / میلیون‌ها نفر

* اعداد قبل از صفت و اسم

Numbers	Adjectives	Nouns
a / one	small	car
a / one	red	apple
an / one	interesting	movie
two, ... , ninety-nine	beautiful	trees
two hundred, ... , ten billion	Canadian	dollars

توجه*

شمارنده‌ها و اعداد در دسته «شناسه‌ها / determiners» طبقه‌بندی می‌شون. اینا همیشه قبیل از اسم و صفت میان.

برای سؤال پرسیدن درباره قیمت‌ها از "how much" و سؤال کردن در مورد اعداد از "how many" استفاده می‌کنیم.

- ☞ -: May I help you? می‌تونم کمک‌تون کنم؟
- ☞ -: Yes, please. I'm looking for some birthday candles. به لطفاً. من دنبال یه چندتایی شمع تولد می‌گردم.
- ☞ -: **How many candles do you need?** چند تا شمع لازم دارین؟
- ☞ -: I need 12 birthday candles. ۱۲ تا شمع تولد می‌خواهم.
- ☞ -: You can find different types of candles over there. شما می‌توینین مدل‌های مختلف شمع روانجا پیدا کین.

- ☞ -: Um... **How much** are those? امم.... اونا قیمت‌شون چنده؟
- ☞ -: 20,000 Tomans ۲۰ هزار تومان.
- ☞ -: What about these? واين يكيا چطوره؟
- ☞ -: 10,000 Tomans ۱۰ هزار تومان.
- ☞ -: I think I'll take these. Here you are. فکر کنم اين‌ها رو بگيرم. بفرمایيد.
- ☞ -: Thank you. متشرکم.

با استفاده از الگوهای زیر می‌توینین در مورد قیمت‌ها و اعداد سؤال پرسین.

- ☞ **How much** do/does cost? قیمت چنده / چقدر؟
- ☞ **How much** is it? این چقدر؟
- ☞ **How much** are they? اينا چقدر؟
- ☞ **How many** do you have? چند تا داريد؟

۴-۱-۴ - جمله ساده

در زبان انگلیسی، یک جمله باید حداقل یک فاعل (نهاد / subject) و یک فعل (verb) داشته باشد. فاعل رو میشه با "who" (چه کسی؟) و "what" (چه چیزی؟) که جمله درباره اش صحبت می‌کنه شناسایی کرد. از اونور، "what" (چی کار؟) که از کار فاعل می‌پرسه، برای شناسایی فعل استفاده می‌شه. تو جملات زیر، فاعل رو bold کردیم و زیر فعل خط کشیدیم.

- ☞ **MohammadAli** is sleeping. محمدعلی در حال خواب است.
- ☞ **The bird** does not sing. پرنده نمی‌خواند.
- ☞ **The apple** fell down. سیب افتاد.
- ☞ **The teacher** is hard-working. معلم سخت‌کوش است.

*** برای پیدا کردن فاعل، با "who" و "what" باید سؤال پرسید:**

- ☞ **Who** is the first sentence about? **MohammadAli**. جمله اول درباره کیه؟ محمدعلی

- ☞ **What** is the second sentence about? **The bird.** جمله دوم درباره چیه؟ پنده
- ☞ **What** is the third sentence about? **The apple.** جمله سوم درباره چیه؟ سیب
- ☞ **Who** is the fourth sentence about? **The teacher.** جمله چهارم درباره کیه؟ معلم

توجه کنیم که فاعل جمله **یا** «اسم (شخص، شیء، مکان)» و **یا** «ضمیر» هستش. **ضمیر فاعلی** کلمه‌ای مثل I، it، she، he، we، they، you هست که بجای فاعل می‌شینه.

* برای پیدا کردن فعل، باید با "what" درباره عملی که فاعل انجام داده بپرسیم:

- ☞ **What** does the first sentence say about MohammadAli? **MohammadAli is sleeping.** جمله اول درباره محمدعلی چی میگه؟ محمدعلی در حال خواب است.
- ☞ **What** does the second sentence say about the bird? **The bird does not sing.** جمله دوم درباره پنده چی میگه؟ پنده نمی‌خواند.
- ☞ **What** does the third sentence say about the apple? **The apple fell down.** جمله سوم درباره سیب چی میگه؟ سیب افتاد.
- ☞ **What** does the fourth sentence say about the teacher? **The teacher is hard-working.** جمله چهارم درباره معلم چی میگه؟ معلم سخت‌کوش است.

توجه کنیم که جمله با حرف بزرگ شروع می‌شود و با نقطه/علامت سوال/علامت تعجب تکموم می‌شود.

توجه* تو مثال آخر، فعل ما is بود. افعال ربطی از جنسی هستند که دارای عمل خاصی نیستند و صرفاً فاعل رو به یه صفت یا اسم دیگه وصل می‌کنند (ربط می‌دانند). توی فارسی اینا میشن «است، بود، شد، گشت، گردید، به نظر رسید» و دقیقاً معادل اونا توی انگلیسی هم همین خاصیت رو دارد. برای همین هم هست که وقتی با what توی جمله آخر دنبال فعل گشته‌یم، به خوبی بقیه نتونست فعل رو پیدا کنند.

جمله ساده **مفعول** هم می‌توانه داشته باشد. مفعول اسمیه که عملی بهش نسبت داده می‌شود/کاری روش انجام میشه:

- ☞ The students are drinking **milk**. دانش آموزان دارند شیر می‌نوشند.
- ☞ The students learn **English**. دانش آموزان انگلیسی یاد می‌گیرند.
- ☞ Elyas visited **his doctor**. الیاس دکترش را ملاقات کرد.

* **مفعول رو با «چه چیز را/چه کس را»** یا «چه چیزی/چه کسی» پیدا کنیم.

جمله ساده می‌توانه اجزای اضافه دیگه‌ای هم داشته باشد. مثلاً قید مکان، قید زمان و قید حالت.

- ☞ Erfan will have an exam **next week**. عرفان هفته آینده امتحان خواهد داشت.
- ☞ Shadi studies English **at school**. شادی در مدرسه انگلیسی می‌خواند.
- ☞ **Yesterday**, I saw my teacher **in the street**. دیروز معلمم را در خیابان دیدم.
- ☞ We **usually** visit our grandmother **on Fridays**. ما معمولاً مادرینگران را جمعه‌ها می‌بینیم.



My brother can speak French **fluently**.

برادرم می‌توانه سلیس فرانسه حرف بزنه.

ترتیب یه جمله ساده به این شکله:

subject(S) + verb(V) + object(O) + additional information(AI)

اطلاعات اضافی (مثالاً قید) + مفعول + فعل + فاعل

She (S) studies (V) English (O) at school (AI (Place)) every week (AI (Time)).

او هر هفته در مدرسه انگلیسی مطالعه می‌کند.

توجه * این ترتیب، برای ساده‌ترین جملات انگلیسی قابل استفاده است و گرنه وقتی زبان زیر ذره بین رو شروع کنیں، با استثنای این موضوع آشنا می‌شید و بارها جملات رو با ترتیبی متفاوت خواهید دید.

۲-۴- دوس دوم

۱-۴- پیشوند و پسوند

پیشوند یک حرف یا یه گروه از حروف هست که قبل از کلمه می‌آید. هر پیشوند یک معنی داره.

Prefix	Meaning	Example
re-	again دوباره	rewrite: write again دوباره نوشتن
un-	not منفی‌ساز	unimportant: not important غیر مهم، غیرضروری
im- in-	not منفی‌ساز	impossible: not possible ناممکن، غیرممکن incorrect: not correct نادرست، ناصحیح
dis-	not/opposite of منفی‌ساز	dislike: not like متنفر بودن، دوست نداشتن
mid-	middle وسط، میان	midday: the middle of the day وسط روز

توجه * توی فارسی هم مکرراً از پیشوند استفاده می‌شه. مثلاً «نا/غیر/بی» برای منفی کردن: نادان/غیرواجب/بی‌سواد

توجه * یادگرفتن این پیشوندهای ساده خیلی مهمه و کلی به افزایش دامنه لغت شما کمک می‌کنه. توی جلد ۱ زبان زیر ذره بین، کلی پیشوند جذاب با مثال‌های فراوون در انتظارتونه.

پسوند یک حرف یا یه گروه از حروفه که آخر کلمه می‌چسبن و کلمه متفاوتی می‌سازن. مثلًاً یه پسوند که کلمه‌ای رو به اسم تغییر بدء، بهش میگیم پسوند اسم ساز.

Suffix	Function	Example
-er /-or	noun maker اسم ساز (کننده کار)	write + -er = writer نویسنده translate + -or = translator متترجم
-ness	noun maker اسم ساز	happy + -ness = happiness شادی
-ion /-tion /-sion	noun maker اسم ساز	construct + -ion = construction تولید، ساخت
-ful	adjective maker صفت ساز	use + -ful = useful مفید
-ous	adjective maker صفت ساز	danger + -ous = dangerous خطرناک
-y	adjective maker صفت ساز	rain + -y = rainy بارانی
-al	adjective maker صفت ساز	nature + -al = natural طبیعی
-ly	adjective maker صفت ساز به شرط اضافه شدن به اسم	friend + -ly = friendly دوستانه
-ly	adverb maker قید ساز به شرط اضافه شدن به صفت	slow + -ly = slowly به آهستگی

توجه * توی فارسی هم مکرراً از پسوند استفاده می‌شه. مثلًاً «ی» به اسم می‌چسبه و صفت می‌سازه: بارانی و برعکس بعضی وقتاً به صفت می‌چسبه و اسم می‌سازه: بیکاری. از اونور، «ناک» معنی نداره اما صفت سازه: وحشتناک و خطرناک؛ درحالی‌که «گاه» معنی مکان یا زمان می‌ده: درگاه، شامگاه و ... پس فارغ از اینکه چه زبانی هست، ریشه‌شناسی خیلی کمک می‌کنه که دامنه لغت رو سریع گسترش بدین.

۴-۲-۲- حال کامل

ما از زمان حال کامل، برای نشون دادن عملی استفاده می‌کنیم که قبل از حال انجام شده باشد، یا قبل از عمل دیگه‌ای در زمان نزدیک به حال انجام شده باشد. توی فارسی معادل «ماضی نقلی» هست: خورده‌ام، برده‌است، کشته‌اند، رفته‌ایم و ...

شكل سوم فعل has/have +



حال کامل (مثبت)			
He Samira	has		
I You Erfan and Ehsan They	have	started	a business.

☞ Amir **has written** a letter.

امیر نامه‌ای نوشته است.

☞ I **have watched** that movie.

من آن فیلم را دیده‌ام.

توجه* طبیعتاً اگه فاعل سوم شخص مفرد بود از has و اگه چیز دیگه‌ای بود از have استفاده می‌کنیم.

توجه* شکل سوم فعل می‌تونه باقاعده باشه، در این صورت کافیه که ed رو به انتهای فعل اضافه کنیم؛ می‌تونه هم بی‌قاعده باشه، در این صورت باید لیست این افعال رو حفظ کنین. یاد گرفتنشون شدیداً مهمه. مثلًا write (رایت) شکل سومش میشه written (ریتِن).

حال کامل (منفی)			
Behrooz She	has not hasn't		
I You We My friends	have not haven't	forgotten	the accident.

☞ Arezoo **has not made** a cake.

آرزو کیک درست نکرده.

☞ The students **haven't finished** their homework.

دانش آموزان تکالیفشان را تمام نکرده‌اند.

حال کامل (سؤالی)			
Has	he Maral		
Have	I you we the farmers	worked	hard?

☞ **Have** you ever **been** to Paris?

آیا تابه حال در پاریس بوده‌ای؟

☞ **Has** Mr. Mokri **produced** that movie?

آیا آقای مکری آن فیلم را ساخته است؟

توجه* فعل کمکی این زمان have و has هست. پس طبیعتاً اگه بخواهیم سؤالی کنیم، این فعل کمکی میاد اول جمله و اگه بخواهیم منفی کنیم، not رو بعد از این فعل کمکی اضافه می‌کنیم.

از نشانه‌های مهم این زمان since (از)، for (به مدت)، yet (هنوز) و ever (تاکنون) هست.

- ☞ I've known them **since** 2008. اونا را از سال ۲۰۰۸ می‌شناسم.
- ☞ We've lived here **for** 20 years. ما به مدت ۲۰ سال اینجا زندگی کرده‌ایم.
- ☞ He hasn't got a job **yet**. او هنوز شغلی دست‌وپا نکرده است.
- ☞ Have they **ever** traveled to Madrid? آیا آن‌ها تابه‌حال به مادرید سفر کرده‌اند؟

توجه * یادتون نره این نشانه‌ها وحی منزل نیستن! یعنی با سایر زمان‌ها هم می‌توان استفاده بشن:

- ☞ He was with the company **for** forty years. اون **برای** چهل سال با شرکت کار کرد (گذشته ساده).

از حال کامل برای پرسیدن یا بیان تجربیات گذشته استفاده می‌کنیم.

- ☞ -: **Have you ever played the game ‘Travel to Mars’?** آیا **تا حالا** بازی "سفر به مریخ" روانجام داده‌ای؟
- ☞ -: Oh, yes. I **have learned** to play it recently. But I don't want to play it again. بله. من اونوتاگزیا یاد گرفته‌ام. اما نمی‌خوام دیگه بازی کنم‌ش.
- ☞ -: **Really? Why?** واقعه؟ چرا؟
- ☞ -: It takes a lot of my time. I **have attended** a Spanish class **since** last Monday. I like to spend my time on that. اون خوبی وقت‌مو می‌گیره. من **از** دوشنبه گذشته یک کلاس اسپانیایی شرکت کرده‌ام. دوست دارم وقت را روی اون بذارم.
- ☞ -: **I see. But you can play it in your free time.** متوجه‌هم. اما می‌توانی توی وقت آزادت بازی کنی.
- ☞ -: I don't know. I **haven't thought** about that **yet**. نمی‌دونم. درباره اش **هنوز** فکر نکرده‌ام.

و می‌توانیم از این الگو استفاده کنیم:

- ☞ Have you ever? آیا شما **تا حالا**؟
- ☞ Yes, I have it once, last year, بله من یک بار، سال گذشته،
- ☞ No, I haven't. Maybe I try it later. نه نکرده‌ام. ممکنه بعداً امتحانش کنم.

توجه * توی فارسی و محاوره، متأسفانه زبان ماضی نقلی کلّاً از بین رفته. به جای اینکه بگیم غذایم را خوردہ‌ام، می‌گیم غذام رو خوردم. همین باعث می‌شه که تشخیص این زمان برآمون دشوار باشه. برای درک بهترش، سعی کنین همیشه کتابی بهش فکر کنین نه محاوره‌ای.

۴-۳-۲-۴ افعال چند قسمتی (Phrasal verbs)

همه افعال تک قسمتی نیستن. بعضی‌بیش از یه قسمت دارن و با حرف اضافه میان. مثلًاً توی دوران راهنمایی هم یاد گرفتیم که و افعال ساده دیگه این‌جوری چه معنایی دارن. یه سری‌های دیگه رو هم اینجا با هم یاد بگیریم: turn on

- ☞ Would you like to leave a message? No, I'll **call back** later. آیا مایلین یه پیام بذارین؟ نه، بعداً دوباره زنگ می‌زنم (خواههم زد).
- ☞ Have you **checked in**? Oh, yes. I am in my room now. آیا شما پذیرش شدین؟ بله من الان تو اتفاقم.



- ☞ When did you **get up**? Early in the morning. کی بیدار شدی؟ صبح خیلی زود.
- ☞ Has your father **given up** smoking? Yes, he knows smoking is harmful to his health. آیا پدرتون سیگار روتک کرده؟ بله اون میدونه که سیگار برای سلامتیش مضره.
- ☞ Did she go to school in Karaj? No, she **grew up** in Lavasan. آیا اون توکرج به مدرسه می‌رفت؟ نه اون توی لواسان بزرگ شده.
- ☞ **Hurry up!** We're late. عجله کن (بجنب)! ما دیرمونه.
- ☞ Sara **looked after** us very well. She's an excellent cook.. سارا به خوبی ازمنون مراقبت کرد. او آشپز فوق العاده‌ایه..
- ☞ **Turn off** the washing machine. It's making too much noise. ماشین لباسشویی رو خاموش کن. خیلی داره سروصدای کنه.
- ☞ Mehrdad usually **wakes up** early. But today he's still asleep. مهرداد معمولاً زود از خواب بیدار می‌شه. اما امروز، هنوزم خوابه.

توجه * این فعل‌ها زیادن و تعدادی رو هم توی جلد ۲ زیر ذره‌بین یا کتاب زبان دکتری زیر ذره‌بین یاد خواهد گرفت.

۴-۲-۴- اسم مصدر (Gerund) چیست

+ شکل ساده فعل ing

اسم مصدر از ترکیب فعل + ing تشکیل می‌شه و به عنوان اسم شناخته می‌شه.

- ☞ **Cycling** is good exercise. دوچرخه‌سواری ورزش خوبیه.
- ☞ Vahid enjoys **cycling**. وحید از دوچرخه‌سواری لذت می‌بره.

★ در جایگاه فاعلی Gerund

- ☞ **Swimming** is useful for everyone. شنا برای همه مفیده.
- ☞ **Reading** helps us learn English. خوندن به ما کمک می‌کنه انگلیسی یاد بگیریم.

gerund همیشه مفرد است. وقتی فاعل جمله است، بعدش فعل مفرد می‌آید:

- ☞ **Walking makes** me happy. پیاده روی منو خوشحال می‌کنه.

اما مثل همیشه اگه دو تا gerund با هم فاعل جمله باشند، فعلمون به صورت جمع می‌آید:

- ☞ **Cycling and jogging are** my favorite sports. دوچرخه‌سواری و دویلن نرم، از ورزش‌های مورد علاقه‌م هستند.

بعضی وقت‌ها اسم بعد از gerund می‌آید و تقریباً نقش مفعول مخصوص به اون رو بازی می‌کنه:

- ☞ **Playing football** was his fun. فوتبال بازی کردن تفریح اون بود.
- ☞ **Taking photos** is her hobby. عکس‌انداختن سرگرمی اونه.
- ☞ **Learning a language** takes time. یادگرفتن یه زبان، زمان می‌بره.

توجه * توی بعضی از هشدارها، يه **NO** قبل از **ing** دارها می بینیم که معنی «ممنوع بودن» می دهد. مثلًا **NO FISHING** یعنی «ماهیگیری ممنوع».



در جایگاه مفعولی Gerund *

☞ I enjoy **swimming**.

من از شنا کردن لذت می برم.

☞ Maryam loves **reading**.

مریم عاشق خواندن.

بعد از برخی از افعال Gerund *

می تونیم بعد از این فعل ها، اگه خواستیم فعل دوم بیاریم، به صورت gerund بیاریم:

enjoy / finish / quit / love / give up / imagine / keep on / practice

☞ Why don't you **give up smoking**?

چرا از سیگار کشیدن دست نمی کشی؟

☞ My sister **kept on asking** me question after question.

خواهرم به سؤال پشت سؤال پرسیدن از مدامه داد.

به همراه Gerund *

معمولًا از **go + gerund** استفاده می کنیم تا «فعالیت های تفریحی» رو توصیف کنیم.

☞ Let's **go shopping**.

بیا ببریم خرید.

☞ Yesterday, we **went biking**.

دیروز ما موتورسواری کردیم.

چند مثال دیگه از این حالت:

go fishing / go skating / go sailing / go swimming / go skiing / go jogging / go running

توجه * اسم مصدر (gerund) رو با حال استمراری (present progressive) اشتباه نکنیم.

☞ Tina's favorite hobby **is writing** poems.

سرگرمی مورد علاقه تینا شعر نوشتن.

☞ Narges **is writing** an email now.

نرگس آن در حال ایمیل نوشتن.

مثال اول فعل حال ساده (is) به همراه اسم مصدره و مثال دوم، فعل حال استمراری (is writing) است.

بعد از حرف اضافه Gerund *

حرف اضافه (preposition) کلماتی مثل «از، در، با، زیر، روی، بالای، برای، بعد از، همراه، بر، در، بدون و ...» در فارسی هستند و طبیعتاً معادلشون به زبان انگلیسی هم میشه حرف اضافه. مثلاً اینا برخی از حرف اضافه های معروف هستند: against, for, by, at.

بعد از اینا اگه بخواییم فعل بیاریم، باید به شکل اسم مصدر بیاد و نمیشه به صورت فعلی آوردن:

- ☞ Parastoo is good **at speaking** and **writing** German. پرستو صحبت کردن و نوشتن به آلمانی خوبه.
- ☞ Kimia is interested **in playing** tennis. کیمیا به بازی تنیس علاقه دارد.
- ☞ What do you think **about living** in a village? نظرت در مورد زندگی کردن تو روستا چیه؟
- ☞ Mehrab and Nima have plans **for doing** their homework soon. مهراب و نیما برنامه هایی دارن برای اینکه تکالیفشون روزودی انجام بدند.
- ☞ I am tired **of washing** the dishes. من از ظرف شستن خسته ام.

* طریقه منفی کردن Gerund

میشه اسم مصدر رو با آوردن not قبلش منفی کرد:

- ☞ **Not doing** anything about it is better **than doing** the wrong thing. کاری نکردن براش بهتر از اینه که کار غلطی انجام بدین.
- ☞ The best thing for your health is **not drinking**. بهترین چیز برای سلامتی شما، ننوشیدن (منظورش نوش جان نکردن نوشابه گازدار هست!! بد برداشت نشه 😊).

۳-۴- درس سوم

۱-۳-۴- شرطی نوع اول (Conditional sentences (Type I)

آینده ساده + فاعل ، حال ساده + فاعل

- ☞ **If you study hard**, you will pass the exams. اگه سخت درس بخونی، امتحانات رو پاس خواهی کرد.
- ☞ **If my friends come**, I will become happy. اگه دوستانم بیان، من خوشحال میشم / خواهم شد.
- ☞ **If Farideh goes to Rey**, she will visit the bazaar. اگه فریده به ری بره، اوون از بازار دیدن خواهد کرد.

حال ساده + فاعل + if + آینده ساده + فاعل

- ☞ I'll phone you **if I have time**. بہت زنگ میز نم (خواهم زد) اگه وقت داشته باشم.
- ☞ You'll hurt yourself **if you jump into the river**. توبه خودت آسیب میز نی (خواهی زد) اگه توی رودخونه بپری.
- ☞ Mahnaz will get a prize **if she answers the question correctly**. مهناز جایزه خواهد گرفت اگه اوون بتونه به سوال درست پاسخ بده.

توجه * ما بعضی وقتا، توی شرطی نوع اول، جای آینده ساده ممکنه حال ساده هم بیاریم یا سایر افعال کمکی مثل can, may, ... رو هم جایگزینش کنیم. نگران نباشید و اینا رو توی زبان زیر ذره‌بین یاد خواهید گرفت.

* شرطی نوع ۱ برای صحبت از احتمالات در آینده:

- ☞ -: We want to buy a new store. ما می‌خوایم یه مغازه جدید بخریم.
- ☞ -: Really, what for? واقعه؟ برای چی؟
- ☞ -: We want to make and sell more pottery work. می‌خوایم کارهای سفالگری بیشتری بسازیم و بفروشیم.
- ☞ -: I've heard people are really interested in your work. شنیدم که مردم به کارت خیلی علاقه دارن.
- ☞ -: Yeah, if everything goes well, we will open the new store in June. آره، اگه همه چی خوب پیش برد، ما مغازه جدید روتوماه ژوئن بازخواهیم کرد.

* برای صحبت از شرایط و نتایج آینده:

- ☞ If everything goes well, I will اگر همه چی خوب پیش برد، من می‌خوام ...
- ☞ If all goes well, they will اگر همه‌ش خوب پیش برد، اونا می‌خوان ...
- ☞ If our plans work, we will اگر نقشه‌هایمان کارساز باشه، ما می‌خوایم ...

۴-۳-۲- صفت از ریشه فعلی (Participial adjective)

شكل سوم فعل می‌تونه به عنوان صفت مفعولی هم استفاده بشه. در کارکرد صفت مفعولی، معنی «شدن» توی دل خودش مستتر هست. مثلاً توی مثال‌های زیر به این کارکرد دقت کنین. البته خیلی‌اشون شبیه ساختار مجھول هستن که بعداً یاد خواهید گرفت.

- ☞ Amir is **bored** with his present job. امیر از کار‌الانش خسته است.
- ☞ Mina got **amused** by the story. مینا از داستان لذت برده است (کلی خوشش او مده).
- ☞ I'm **confused**. Would you please explain it again? من قاتی کردم. می‌شه لطفاً دوباره توضیحش بدین؟
- ☞ He often gets **depressed** about his weight. او اغلب به خاطر وزنش افسرده می‌شه.
- ☞ I'm so **excited** that we're going to Yazd. از اینکه داریم میریم بیزد، خیلی هیجان زده‌ام.
- ☞ To tell the truth, I was **frightened** to death. آگه بخواه راستشو بگم، تا سرحد مرگ ترسیه بودم.
- ☞ I've always been **interested** in football. من همیشه به فوتبال علاقه مند بوده‌ام.
- ☞ They were greatly **surprised** at the news. آن‌ها از خبر شدیداً متعجب بودند.
- ☞ I'm **tired** of watching television; let's go for a walk. از تماشای تلویزیون خسته‌ام، برمی‌یه دوری بزیم.

توجه * توی مثال‌های بالا، به نوعی عملی بر روی فردی/چیزی که صفت مفعولی داره، انجام شده. امیر خسته شده یعنی چیزی خسته‌ش کرده، یا من هیجان‌زده هستم از چیزی نه اینکه خودم هیجان ایجاد کنم! یا متعجب بودیم نه اینکه سبب تعجب دیگران بشیم! یا خسته بودم نه اینکه کسی رو خسته کنم... این‌ها همه دلالت بر حالت مفعولی داره. صفت مفعولی می‌تونه به هر اسمی برگرده حتی اسمی که فاعل جمله است. یه توضیح غلط هم هست که می‌گه صفت مفعولی مخصوص انسان‌هاست! این هم نادرسته. تنها راه درکش اینه که ترجمه کنین. به مثال نقض بعدی دقت کنین:

- ☞ I bought the freshly **painted** furniture. من اون مبلمان به تازگی رنگ شده رو خریدم.



(Infinitives to) ۴-۳-۳-۴ مصدر با

توی زبان انگلیسی، جز اسم مصدر، مصدر با to هم دارن! خیلی مصدر دوست دارن کلاً! البته معمولاً کارکردهشون کمی متفاوته.

☞ **To learn** a language can be interesting.

یادگیری به زبان می‌تونه جذاب باشه.

☞ Hamed wants **to learn** a language.

حامد می‌خواهد به زبان یاد بگیره.

به عنوان فاعل: Infinitive*

☞ **To smoke** is very bad for everyone.

سیگار کشیدن برای همه خیلی بده.

اما در این حالت استفاده از gerund که قبلاً دیدیم مرسوم تره:

☞ **Smoking** is very bad for everyone.

سیگار کشیدن برای همه خیلی بده.

بعد از برخی فعل‌های خاص: Infinitive*

☞ I like **to watch** this movie.

دوست دارم این فیلم روتماشا کنم.

☞ She wanted **to buy** an Iranian handicraft.

اون می‌خواسته به صنایع دستی ایرانی بخره.

بعد از این افعال از Infinitive استفاده می‌کنیم:

choose / expect / decide / remember / want/ try / promise / attempt / forget / agree / wait / learn

بعد از برخی صفات: Infinitive*

☞ She became **happy to see** her classmate after ten years. / او از دیگر همکلاسیش بعد از ده سال خوشحال شد.

☞ Navid was really **sad to leave** us soon. / نوید از اینکه زود ما را ترک می‌کرد واقعاً ناراحت بود.

برخی از این صفات:

careful / amazed / certain / ashamed / glad / fortunate / shocked / lucky / sorry / surprised

در ساختار معروف زیر: infinitive*

be + صفت + infinitive

☞ I am **careful to put away** my phone before I cross the street. / مراقبم قبل از عبور از خیابان موبایل‌موکنار بدارم.

☞ They are **likely to show up** at any time. / اونا احتمال داره هر لحظه سروکله شون پیدا بشه.

infinitive * طریقه منفی کردن

not + to + فعل

☞ I told the children **not to make** so much noise. / من به پچه‌ها گفتم که خیلی سرورد نکنند.

☞ My dad tries **not to forget** the phone numbers. / پدرم تلاش می‌کنه که شماره تلفن‌ها رو فراموش نکنه.

۵- پایه دوازدهم

۱-۵- درس اول

۱-۱-۵- کلمات پرسشی

Who	Person	انسان
What	Object, Description or Process	شیء، توضیح یا فرآیند
Where	Location	مکان (موقعیت)
When	Time	زمان
Why	Reason	دلیل و علت
How	Quantity, Process or Description	مقدار (چگونگی)، فرآیند یا توضیح

- ☞ **The tourists will visit Shiraz next summer.** توریست‌ها تابستان آینده از شیراز دیدن خواهند کرد.
- ☞ **Who** will visit Shiraz next summer? The tourists. چه کسی تابستان آینده می‌خواهد شیراز بیاد؟ توریست‌ها
- ☞ **What** will the tourists do next summer? Visiting Shiraz. چه کاری توریست‌ها تابستان بعد انجام می‌دهند؟ دیدن شیراز
- ☞ **Where** will the tourists visit next summer? Shiraz. از کجا تابستان بعد توریست‌ها دیدن می‌کنند؟ شیراز
- ☞ **When** will the tourists visit Shiraz? Next Summer. چه موقع توریست‌ها از شیراز دیدن می‌کنند؟ تابستان آینده
- ☞ **Why** will the tourists visit Shiraz? Because of its history. چرا توریست‌ها از شیراز دیدن می‌کنند؟ بخاطر تاریخش.
- ☞ **How** will the tourists come to Shiraz? By plane. چطوری توریست‌ها به شیراز می‌آیند؟ با هواپیما

توجه * این لغات می‌توనن موصول هم باشن که توضیحات بیشترش رو توی زیر ذره‌بین یاد خواهید گرفت. توی کارکرد موصولی در جمله خبری میان و دیگه مثل بالا باهашون سؤالی مطرح نمی‌کنیم. بد نیست چند تا مثال از کارکرد موصولیشون ببینید (توی درس دوم هم ازشون داریم باز):

- ☞ We only employ people who already have computer skills. ما صرفاً افرادی را استخدام می‌کنیم که در حال حاضر (همین الانشم) مهارت‌های کامپیوتری داشته باشند. (*who* به اشاره داره).
- ☞ No one knows exactly **what** happened. هیچ‌کس نمی‌دونه دقیقاً چه اتفاقی رخ داد.
- ☞ Tabriz, **where** Elnaz comes from, has a lot of good restaurants. تبریز، جایی که الناز اهل اونه، کلی رستوران خوب داره (اینجا هم *where* به کلمه قبلی که مکان هست اشاره داره).
- ☞ She remembers the day when she met Poulia. اون به یاد داره روزی رو که با پولیا دیدار کرد (بیان زمان).
- ☞ Unless you're ill, there's no reason why you can't get those 15 minutes of walking in daily. مگراینکه مريض باشی، دليل دیگه‌ای وجود نداره که چراتونتونی (نباشد) اون ۱۵ دقیقه پیاده روی به صورت روزانه رو داشته باشی.
- ☞ He explained **how** the system works. اون توضیح داد که چطور اين سистем کار می‌کنه.
- ☞ It's surprising **how** quickly the weather can change. تعجب برانگيزه که چقدر سريع هوا می‌توانه تغيير کنه.

توجه * تو مثال‌های بالا، جملات بیش از یه فعل داشتن. دلیل فعل دوم، حضور همین موصول‌ها/ربط‌دهنده‌هاست. بعداً بیشتر از این ویژگی توی کتاب زبان زیر ذره بین می‌خونین و قوانین بالانس ربط‌دهنده‌ها و افعال رو توی جمله یاد خواهید گرفت.

۲-۱-۵ هم‌آیند (collocation)

Collocation یا هم‌آیند لغات، به دو کلمه یا تعداد بیشتری از کلمات گفته می‌شود که معمولاً باهم بکار برده می‌شون. به ما می‌گوییم که چه کلماتی همراه سایر کلمات می‌شون. این ترکیب‌ها به گوش گوینده اصلی زبان «درست» می‌شون که اکثر موقع ازشون استفاده می‌کنند. یعنی قرارگیری کلمات خارج از این collocation اشتباوه و مورد استفاده نیست. مثلاً:

- ✉ fast food / quick meal
- ✉ quick food / fast meal
- ✉ strong wind / heavy rain
- ✉ heavy wind / strong rain
- ✉ make a mistake / do exercise
- ✉ do a mistake / make exercise
- ✉ read a newspaper
- ✉ study a newspaper
- ✉ sit on the sofa
- ✉ sit at the sofa
- ✉ hard of hearing
- ✉ difficult of hearing

در بالا موارد نادرست با و موارد صحیح با مشخص شده‌اند. ممکنه ما بگیم make و do که یکیه! هر دو می‌شه انجام دادن اما می‌بینید که هر دو نمی‌تونه با هر کلمه‌ای بیاد. مثال فارسیش می‌شود «خطاکار» نه «خطاشغال»؛ «پر زور» نه «زیاد زور»؛ «زمین خوردن/زدن» نه «زمین افتادن/انداختن»؛ وقت بخیر نه وقت خوب و هزاران مورد دیگه. اینکه بدونیم با چه فعلی باید چه حرفاً اضافه‌ای بیاد، یا برای فلان اسم چه صفت یا فعلی می‌داد و برعکس با فلان صفت چه اسم یا قیدی می‌داد، همه و همه کارکردهای هم‌آیند در زبان‌های مختلف هستند.

باید یواش به جملات حساس بشین و وقتی دیدین یه سری کلمات دارن مرتب با هم می‌شون، برای خودتون تبدیل به قاعده کنین و یاد بگیرین و ازشون توی نوشтар و مکالمه‌تون الگوبرداری کنین. یکی از فرق‌های مهم افرادی که به زبان مادری صحبت می‌کنن و افرادی که زبانی رو به عنوان زبان دوم صحبت می‌کنن همین هست. این درک هم‌آیندها، بسیار مهم‌تر از کار کردن روی لهجه است.

فردا پس فردا خواستید بگید «سرما خوردم»، نگید! «I ate a cold!»! اون موقع بهتون می‌گن مگه زبان زیر ذره بین نخوندین؟ توی انگلیسی می‌گن «I caught a cold». پس eat a cold نداریم اما catch a cold داریم. یا مثلاً ما می‌گیم قطار سریع السیر و نمی‌شود گفت قطار تند. تو انگلیسی هم می‌گن the fast train! the quick train بر عکس ما می‌گیم یه دوش سرپاپی یا یه دوش تند بگیرم و بیام. توی انگلیسی می‌گن a quick shower نمی‌گن a fast shower. همین طور می‌گیم نعره/غرش شیر و نمی‌گیم فریاد شیر! توی انگلیسی هم می‌گن lion roar و نه shout lion.

سرتون رو درد نیاریم! خیلی زیادن. صدها هزار هم‌آیی داریم و از این به بعد به کلماتی که کنار هم می‌شون، بیشتر دقت کنین. نیاز نیست دونه دونه حفظ کنین و به مرور زمان یاد می‌گیرید، همومنظر که یه کودک زبان مادری رو یاد می‌گیره.

۳-۱-۵ - افعال معلوم و مجھول

فعلی که گذرا/متعدّی (transitive) باشد، مفعول می‌گیره. مثلًاً خوردن گذرا هست چون باید بگید چه چیز را خوردید. افعال گذرا این قابلیت رو دارن که مجھول بشن. توی فارسی وقتی تبدیل به مجھول می‌شن، فاعل خودشون رو از دست می‌دان و عمدتاً «شدن» به ترجمه اضافه می‌شه:

ما غذا را خوردیم.

⇨ حذف فاعل: غذا را خوردیم.

⇨ حذف رای مفعولی و بردن مفعول اول جمله: غذا خوردیم.

⇨ افزودن «شدن» به فعل و تغییر آن: غذا خورد **شد**.

البته برخی فعل‌ها هم هستن که توی فارسی وقتی مجھول می‌شن، شدن نیاز ندارن. مثلًاً انداختن می‌شه افتادن. ارتقا دادن می‌شه ارتقا یافتن. بعضی‌ها هم هستند که هم‌زمان می‌تونن گذرا باشن و ناگذر. مثلًاً شکستن. می‌تونه مفعول بگیره و بشه «من شیشه را شکستم» و یا هیچ مفعولی نگیره و شدن هم نگیره اما ناگذر بشه «شیشه شکست».

راستی یادآوری کنم که افعال ناگذر/الازم «intransitive» کلاً مفعول نمی‌گیرن که بخوان مجھول بشن! چه فارسی چه انگلیسی. مثلًاً توی فارسی «رفتن»، «پریدن»، «خندیدن» یا «باریدن» نمونه‌ای از صدھا فعل ناگذر هستند که اصلًاً مفعول ندارند که بخوایم مجھولشون کنیم.

پس شرط لازم برای اینکه بتونیم مجھول کنیم، گذرا بودن فعله.

برگردیم به انگلیسی: این فرآیند توی انگلیسی هم به نوعی دیگه شکل می‌گیره. باز فاعل حذف می‌شه و با مفعول جایگزین می‌شه. به جای «شدن» که توی فارسی داشتیم، توی انگلیسی دو تغییر مهم داریم. یکی اینکه از مصدر be، فعل مناسب رو در زمان داده شده اضافه می‌کنیم و دوم اینکه، فعل اصلی جمله رو به صورت شکل سوم فعل (past participle/P.P.) می‌نویسیم.

بعد از همه این تغییرات، باید چک کنیم که فعل جدید با فعل جدید همخونی داشته باشد. یعنی اگه فعل جدید مفرد شده، فعل هم مفرد می‌شه یا اگه جمع شده، باید اونم جمع بشه.

مثلًاً اگه فعل ما eat باشد، چون زمانش حال ساده است، باید be مناسب رو انتخاب کنیم که یا am هست یا is و یا are (برحسب اینکه کی/چی خورده می‌شه!). بعدش باید شکل P.P. فعل رو انتخاب کنیم که می‌شه eaten. نتیجه اینکه خروجی می‌شه:

⇨ eat ⇨ am/is/are eaten

توی جدولی که در ادامه می‌داد، جملات مختلف در زمان‌های مختلف تبدیل به مجھول شدن. خواهشان! به تغییر در ترجمه، تغییر در فاعل، تغییر در جمع یا مفرد شدن فعل به تبع فاعل جدید و افزوده شدن be + P.P. در تمام جملات مجھول دقت کنیم. باور کنیم که فرمولش بسیار ساده است و مهم نیست زمان ما چی باشد.

Active (علوم)	Passive (مجهول)
She makes pancakes every morning. او هر روز صبح پنکیک هایی درست می کند.	Pancakes are made every morning by her. پنکیک ها هر روز صبح توسط او درست می شوند.
Ali broke the window yesterday. علی دیروز شیشه را شکست.	The window was broken yesterday. شیشه دیروز شکسته شد.
They have fixed the cars. آن ها ماشین ها را تعمیر کرده اند.	The cars have been fixed . ماشین ها تعمیر شده اند.
Alexander Fleming discovered penicillin. الکساندر فلمینگ پنی سیلین را کشف کرد.	Penicillin was discovered by Alexander Fleming. پنی سیلین توسط الکساندر فلمینگ کشف شد.
Scientists find solutions to problems. دانشمندان راه حل هایی برای مشکلات پیدا می کنند.	Solutions to problems are found by scientists. راه حل هایی برای مشکلات توسط دانشمندان پیدا می شوند.
Doctors have made a new medicine to cure cancer. پزشکان داروی جدیدی را برای درمان سرطان ساخته اند.	A new medicine has been made by doctors to cure cancer. داروی جدیدی توسط پزشکان برای درمان سرطان ساخته شده است.

توجه * فقط مثال اول و آخر رو به عنوان نمونه توضیح میدیم! بعداً توی کتاب زبان زیر ذره بین جلد دوم یا کتاب زبان دکتری زیر ذره بین دهها مثال ازشون خواهید دید. مثال اول زمانش حال ساده است. قبل افاعل she بوده و فعل مفرد آورده شده بود. توی دومی فاعل جمله هست که جمعه. پس are آوردیم و نه is! از طرفی make هم شکل سومش می شه .made راستی اون by her که آخر جمله اومده اختیاریه و میشه حذف کرد. مثال آخری زمانش حال کامله. فعل be در زمان حال کامل چی می شه؟ has been یا have been جمع هست. وقتی تبدیل به فاعل مفرد می شه، دیگه have نخواهیم داشت و has been انتخاب می شه. می مونه تبدیل made به شکل سوم فعل. made خودش شکل سوم فعل هست و نیازی نیست بیش از این شکل سومش کنیم!! خروجی have made می شه .has been made

۴-۱-۵ - سؤالات کوتاه (Tag questions)

ما از Tag questions به دو دلیل استفاده می کنیم. گرفتن توافق (تأیید حقیقت) و نشون دادن عدم اطمینان.

- ☞ Nioosha is happy, **isn't she?** نیوشای خوشحاله، نیستش؟
- ☞ He's writing an email, **isn't he?** او داره نامه می نویسه، نمی نویسه؟
- ☞ Adel wasn't hungry, **was he?** عادل گرسنه نبود، بود؟
- ☞ The girls were weaving a carpet, **weren't they?** دخترها داشتن فرش می بافتند، نمی بافتند؟
- ☞ They are going to Hamedan, **aren't they?** اونا دارن میرن همدان، نمیرن؟
- ☞ His father won't buy a new car, **will he?** پدرش نمی خوداد ماشین جدید بخره، می خوداد؟
- ☞ The boys have broken the window, **haven't they?** پسرها پیچره رو شکسته اند، نشکسته اند؟
- ☞ Your sister has passed the exam, **hasn't she?** خواهرت امتحانش رو قبول شده، نشده؟

- ☞ -: Siamak has not come to work. I've heard he's sick, isn't he?

سیامک سر کار نیومده. شنیدم که بیمارد، نیستش؟

- ☞ -: Oh, yes .He was not well yesterday

بله. دیروز حالت خوب نبود.

- ☞ -: What's wrong with him?

چه مشکلی پیش اومده؟

- ☞ -: The doctors are checking his health condition.

دکتردارن وضعیت سلامتیش رو چک می کنن.

- ☞ -: It isn't something serious, is it?

چیز جدی ای که نیست، هست؟

- ☞ -: I hope not

امیدوارم که نباشه.

توجه * همونطور که از سبک و سیاق جملات بالا متوجه شدید، وقتی جمله اصلی مثبته و ما سؤال کوتاه می پرسیم، حتماً سؤال کوتاه منفی می شه و برعکس. از طرف دیگه، سؤال کوتاه رو بر اساس زمان جمله می پرسیم و از فعل کمکی اون زمان استفاده می کنیم. مثلًا زمان کامل خود have/has/had داره و ما از همون استفاده کردیم یا برای حال از do/does/am/is/are استفاده شد. برای گذشته از چی استفاده می شه؟

به این مثال ها هم برای حسن ختام برنامه یه نگاهی بندازید:

- ☞ He's really generous, isn't he?

اون واقعاً بخشنده اس، نیستش؟

- ☞ They are going to leave here, aren't they?

اونا می خوان اینجا روتک کنن، نمی خوان؟

- ☞ This cannot be true, can it?

این نمی تونه حقیقت داشته باشه، می تونه؟

(Compound Sentences) ۱-۵- جملات ترکیبی

ما یاد گرفتیم که هر جمله یک فعل و یک فاعل داره، که بهشون جملات ساده میگیم. حالا اگر یه جمله بیش از یک فاعل و فعل داشته باشه و با so and, or, but or بهم متصل باشن، بهشون جملات ترکیبی میگیم.

«و» نشون دهنده تشابه/ ادامه فعالیت یا احساسه:

- ☞ I get up early in the morning. I make an omelet myself.

من صبح زود بیدار می شم و برای خودم املت درست می کنم.

توجه * تو مثال اول نقطه داشتیم پس دو جمله داشتیم و دو فعل. تو مثال دومی کاما داریم و یک جمله داریم. این تک جمله مون دو تا فعل داره و یه ربطدهنده که می شه and. همین قاعده برای تمام ربطدهنده هایی که اینجا می خونین صادقه (زیر افعال و دور ربطدهنده خط کشیدیم). بعدتر با ربطدهنده های پیشرفته تری هم آشنا می شید.

«اما» نشون دهنده تفاوت یا تضاده:

- ☞ The book was boring. Javad had to read the book.

- ☞ The book was boring, **but** Javad had to read it.

کتاب خسته کننده ای بود، اما جواد مجبور بود بخوندش.

★ «یا» نشون دهنده انتخاب بین دو چیزه: or

- ☞ You should do your homework. You should wash the dishes.
- ☞ You should do your homework, **or** you should wash the dishes.

باید تکالیفت روانجام بدی یا باید ظرفها رو بشوری.

★ «پس، بنابراین» نشون دهنده اینه که جمله دوم نتیجه جمله اوله:

- ☞ Saeed studied hard for the exam. Saeed passed the exam.
- ☞ Saeed studied hard for the exam, **so** he passed it.

سعید برای امتحانش سخت مطالعه کرد، پس اون قبول شد (امتحان رو پاس کرد).

توجه * وقتی این ربطدهنده‌ها بین دو جمله میان، قبلشون **کاما** باید گذاشت و اینکه بجای تکرار فاعل می‌تونیم از ضمیر مناسب استفاده کنیم.

۲-۵ - درس دوم

۱-۲-۵ - عبارات ربطی (relative clauses)

یه راه دیگه که جمله رو از سادگی خارج کنیم، استفاده از عبارت وصفی و ضمایر موصولیه. who و which و whom

متداول ترینشون هستن. یادتون باشه که who/whom برای انسان میاد و which برای غیر انسان. تو این حالت هم ما دو فعل در یک جمله خواهیم داشت چون ربطدهنده‌ای از جنس ضمیر موصولی استفاده کردیم.

از طرف دیگه who میشه دو جمله رو یکی کرد درحالی که who نقش فاعلی رو تو جمله دوم ایفا می‌کنه و جانشین فاعل شده. اما جانشین مفعول می‌شه. بر عکس این دو، which هم جانشین مفعول و هم جانشین فاعل میشه به شرطی که غیر انسان باشه. (به جملات دوم در ستون سمت چپ جدول پایین دقت کنیم که چطور فاعل یا مفعولشون با این موصول‌ها جایگزین شده و جمله سمت راستی رو ساخته).

The man lives at No. 10. <u>He</u> plays golf.	The man who plays golf lives at No. 10. مردی که گلف بازی می‌کند، در شماره ۱۰ ساکن است.
The woman is coming to dinner. You met <u>her</u> yesterday.	The woman who(m) you met yesterday is coming to dinner. خانمی که دیروز ملاقات کردی، برای شام می‌آید.
The cat was drinking milk. <u>It</u> lives near us.	The cat which lives near us was drinking milk. گربه‌ای که در نزدیکی ما زندگی می‌کند، داشت شیر را می‌خورد. (نترسید، شیر پاکتی منظورش!! می‌نوشید هم بهتره. گفتیم می‌خورد که هیجان کاذب داده باشیم!)
I found the keys. I lost <u>the keys</u> yesterday.	I found the keys which I lost yesterday. من کلیدهایی که دیروز گم کردم را پیدا کردم.

توجه* تو مثال اول جدول بالا who جانشین he شده که فاعله. همیشه هم who/whom به کلمه‌ای که دقیقاً و مستقیماً قبلش او مده اشاره داره. تو مثال اول who به اشاره داره. مثال دوم whom جانشین her که مفعوله شده. وقتی می‌گیم جانشین می‌شیه یعنی حق ندارید دیگه her یا he رو توی این مثلا بیارید. مثال سوم و چهارم هر دو غیر انسان هستند (the cat) و (the keys). پس which می‌اریم. توی مثال سوم which جانشین it شده که فاعله و توی بعدی جانشین the keys شده که مفعوله (زیر کلماتی که بجاشون ما از ضمیر استفاده کردیم، خط کشیدیم).

توجه* تو مثال دوم نوشته‌یم who(m). دلیلش اینه که توی محاوره، می‌شیه از whom جای who و حتی در جایگاه مفعولی هم استفاده کرد. البته این کارکرد مربوط به محاوره است و این اشتباه رو توی تست‌های گرامر یا موقع writing انجام ندین!!

The man who plays golf lives at No. 10.	The man that plays golf lives at No. 10.
The woman, who(m) you met yesterday, is coming to dinner.	The woman that you met yesterday is coming to dinner.
The cat, which lives near us, was drinking milk.	The cat that lives near us was drinking milk.
I found the keys which I lost yesterday.	I found the key that I lost yesterday.

توجه* ما می‌تونیم جای who و whom از which استفاده کنیم. البته بعداً توی کتاب زیر ذرّه‌بین یاد می‌گیرید که that دشمن کاماست و وقتی به کلمه قبلی اشاره می‌کنه نباید قبلش کاما بیاد اما who، whom و which می‌تونن با کاما هم بیان. اینا رو بهتر و بیشتر توی کتاب زیر ذرّه‌بین چاپ نگاه دانش با ادبیاتی محاوره‌ای و خودمونی بهتون توضیح میدیم.

۲-۲-۵-شرطی نوع دوم (Type II): Conditional sentences

شکل ساده فعل + فاعل، گذشته ساده + فعل If +

- ☞ **If the old man had his glasses**, he could read the paper. اگه پیرمرد عینکش رو می‌داشت، می‌تونست کاغذ رو بخونه.
- ☞ **If my mother were here**, I would ask her for help. اگه مادرم اینجا بود، ازش کمک می‌گرفتم.
- ☞ **If it got warmer**, they would travel to the north. اگه هوای گرمتر می‌شد، اونا به شمال مسافرت می‌کردند.

گذشته ساده + فعل if + شکل ساده فعل + would + فعل

- ☞ They would be healthier **if they lived in a village**. اونا سلامت‌تر می‌بودن اگه تو روستا زندگی می‌کردند.
- ☞ Saied could fix the car **if he were home**. سعید می‌تونست ماشین رو تعمیر کنه اگر خونه می‌بود.
- ☞ I would buy a house **if I were you**. من یه خونه می‌خریم اگر جای تو بودم.

توجه* فقط یه مورد جالب که نمی‌دونم دقت کردید یا نه اینه که توی شرطی نوع دوم، ما به جای was از were استفاده می‌کنیم. دو تا مثال آخر رو بینید.

حالا چه موقع باید از این شرطی استفاده کنیم؟ صفحه بعدی رو بخونین.

* برای توصیف موقعیت خیالی، از شرطی نوع دوم استفاده می‌کنیم:

- ☞ -: Oh look! It is raining so heavily. نگاه کن! چه بارون سنگینی داره می‌باره.
- ☞ -: What would you do if it weren't raining? چی کار می‌کردی اگر بارون نمی‌بارید؟
- ☞ -: If it were sunny, I would go to the park. I am really bored. اگه آفتابی بود، می‌رفتم پارک. واقعاً خسته‌ام.
- ☞ -: We can play one of our thinking games, instead. می‌تونیم بجاش یکی از بازی فکری‌امون رو انجام بدیم.
- ☞ -: We could play 'Smart Kid' if Sina were home.. ما می‌تونستیم «بچه باهوش» بازی کنیم اگر سینا خونه بودش..
- ☞ -: This one is also fun. Let's try it. این یکی هم خیلی باحاله. بیا امتحانش کنیم.

* برای بیان آرزوها، امیدها و تخیلات هم از شرطی نوع دوم استفاده می‌شود:

- ☞ What would you do if you were in my shoes? اگر جای من بودی چی کار می‌کردی؟
- ☞ What would you do if you had wings? اگر بال داشتی چی کار می‌کردی؟
- ☞ What would you do if you were a university student? اگر دانشجو بودی چی کار می‌کردی؟

۳-۵ درس سوم

۱-۳-۵ ضرب المثل (Proverbs)

این چند تا ضرب المثل هم داشته باشید. حقیقتاً دونستن ضرب المثل خوبه اما شورش رو درنیارید! ۲۰ تا هم تو زندگی بلد باشد کافیه. مگه تو فارسی چند تا بلدیم یا چند تا رو واقعاً استفاده می‌کنیم؟!

این بخش رو صرفاً جهت اینکه یه خرده هوا تلطیف شه گذاشتیم و گزنه میتوینین از ضرب المثل بگذرید. بدرد کنکور نمی‌خوره.

English Proverb	Meaning	Persian Proverb
God helps those who help themselves. خدا به اونایی که به خودشون کمک کن، کمک می‌کنه.	Don't just wait for good things to happen to you. Work hard to achieve your goals. منتظر نباشید چیزهای خوب برآتون اتفاق بیافته، برای به دست آوردن اهدافتون سخت کار کنید.	از تو حرکت از خدابرکت.
The early bird catches the worm. پرنده سحرخیز، گرم رو بدلست می‌اره. (ترجمه ظاهریشه و گزنه اصلش همون سحرخیز باش تا کامرو باشیه)	You should wake up and start work early if you want to succeed. باید زود بیدار شی و کارت رو زود شروع کنی، اگر می‌خوای موفق بشی.	سحرخیز باش تا کامرو باشی!

(Passive voice) ۵-۳-۲-۵

فعال کمکی هم می‌توان مجھول بشن. مثلاً «تو باید اون کار رو بکنی» تبدیل بشه به «اون کار باید انجام بشه». توی انگلیسی فرمول ثابت همیشه. جابجایی مفعول با فاعل، افرودن **be** و **P.P.** آوردن **by** هم مثل همیشه اختیاریه.

modal + be + P.P + (by)

The principal should call the parents. مدیر باید به والدین زنگ بزن.	The parents should be called (by the principal). به والدین باید زنگ زده بشه (توسط مدیر).
The cook may make a fish salad for dinner. آشپز ممکنه برای شام سالاد ماهی درست کنه.	A fish salad may be made for dinner (by the cook). سالاد ماهی ممکنه درست بشه برای شام (توسط آشپز).
People must obey the traffic rules. مردم باید از مقررات ترافیکی اطاعت کنند.	The traffic rules must be obeyed (by everyone). مقررات ترافیکی باید اطاعت بشه (توسط همه).

(Past perfect tense) ۵-۳-۳-۵

ما زمانی از گذشته کامل استفاده می‌کنیم که بخوایم در مورد انجام یک کار قبل از کار دیگر در زمان گذشته استفاده کنیم. زمان گذشته کامل، معادل «ماضی عبعد» هست. مثلاً «—ه بود» نشانه ماضی عبعد: خورده بودم، رفته بودند، گشته بود، رقصیده بودیم و ...

فرمول این زمان شبیه زمان حال کامله. به جای **have/has** ما شکل گذشته‌ش یعنی **had** را داریم. شکل سوم فعل هم که همونه. حتی کارکردن هم شبیه‌هه. یکی کاری هست که پیش از زمان حال انجام شده و اون یکی کاری که پیش از زمان گذشته (گذشته دور) انجام شده.

شکل سوم فعل had +

گذشته کامل (ثبت)					
Navid	had (never)	studied	Chinese	before	he moved to China.
She		seen	a bear	before	she went to the zoo.

☞ I knew I **had seen** that man somewhere before.

من می‌دونستم که اون مردو جایی قبلاً دیده بودم.

☞ The woman told me that she **had worked** in Isfahan before.

اوون خانم بهم گفت که قبلاً تو اصفهان کارکرده بود.

توجه * اگه دقت کنین، توی ترجمه‌های بالا «—ه بود» داریم. جدای اون، یه اتفاقی پیش از یه اتفاق دیگه در گذشته افتاده.

یعنی گذشته‌مون دیگه خیلی دوره! مثلاً میدونسته که قبلترش فلانی رو دیده بوده یا خانمه گفتش که قبلترش توی اصفهون کار کرده بوده و یا چینی رو خونده بوده قبل از اینکه بره چین و خرس تو عمرش ندیده بوده قبل از اینکه بره باع وحش. همه اینا نشانه زمان گذشته کامله.



- ☞ Everything in the garden was brown because it **hadn't rained**.

همه چی تو باع قهوه‌ای بود (خشک شده بود) چراکه باران نباریده بود.

- ☞ They gave me some money back because I **had paid** too much.

اونا به من مقداری پول پس دادن چراکه من بیش از حد پرداخت کرده بودم.

- ☞ When I arrived at the party, my grandpa **had already gone** home.

وقتی من رسیدم به مهمونی، پدر بزرگم همون موقعش (قبلترش) رفته بود خونه.

- ☞ When I sent the book to her, she **had already bought** it.

وقتی کتاب رو براش فرستادم، اون همون موقعش (قبلترش) اون رو خریده بود.

توجه * ببینید که بازم با آوردن not (یا شکل خلاصه ش t'n) بعد از had منفی ش کردیم.

توجه * دقت کنین که الزامی نداره حتّماً before بیاد تا زمان گذشته کامل داشته باشیم!! اصلاً before تو خیلی زمان‌های دیگه هم می‌تونه بیاد. برای اینکه تابوی این موضوع رو بشکونیم، این چهار تا مثال رو با when و because و حضور قید already آوردیم (با این توضیح که بازم اومدن because یا اون یکیا به منزله زمان گذشته کامل نیست. ترجمه و درک رخ دادن چیزی پیش از چیزی در گذشته به شما کمک می‌کنه که این زمان رو شناسایی کنین).

* ما از این زمان برای حرف زدن در مورد یک اتفاق که قبل از اتفاقی دیگه در گذشته افتاده، استفاده می‌کنیم:

- ☞ -: OK, Tell me about the picnic. What did you do?

درباره پیکنیک بهم بگو. چی کار کردی؟

- ☞ -: That was great, dad. We played volleyball and had a barbecue.

خیلی عالی بود بابا. ما والیبال بازی کردیم و منقل به پا کردیم.

- ☞ -: Oh, come on! Did you do anything fun?

عه! بی خیال! کار باحالی هم کردین؟

- ☞ -: Yeah, it was all fun. Before we played volleyball, we **had taken** some photographs.

آره، همه‌ش باحال بود. قبل از اینکه والیبال بازی کنیم، یه چند تایی هم عکس انداخته بودیم.

- ☞ -: Great! Did you do anything in the afternoon?

عالیه! بعد از ظهر هم کاری کردید؟

- ☞ -: Oh, something interesting! After we **had eaten** lunch, we flew our kites. That was fantastic because we **had made** the kites ourselves!

یه کار باحال! بعد از اینکه ناهار خورده بودیم، بادبادک هامون رو هوکردیم، خیلی فوق العاده بود چون که خودمون درستشون کرده بودیم.

* صحبت در مورد انجام دو عمل در گذشته، یکی پیش از دیگری:

- ☞ Before I I had

- ☞ After I had....., I.....

توجه * تو این حالت، عمل دورتر (قدیمی‌تر) رو گذشته کامل می‌گیم و عمل کمتر قدیمی رو گذشته ساده می‌گیم.

- ☞ This message arrived after everyone **had gone** home.

این پیغام رسید بعد از اینکه همه خونه رفته بودن.

- ☞ He returned after 20 years **had passed**.

اون برگشت، بعد از اینکه بیست سال گذشته بود.

- ☞ I wish we **had known** about all this beforehand.

کاشکی ما از تمام اینا قبلًا خبردار شده بودیم.

۴-۵- تکنیک‌های درک مطلب

۱-۴-۵- سطحی خوانی (Skimming)

روشی برای پیدا کردن موضوع و فهمیدن منظور اصلی متن. با skimming می‌توانیم متن رو پیش‌بینی کنیم یا در موردش حدس بزنیم و برای درک بهتری از متن بهمنون کمک کنیم. با این روش:

- عنوان رو بخونیم.
- به عکس‌های متن دقت کنیم.
- خط اول و آخر هر پاراگراف رو بخونیم.
- سریع بخونیم.
- هر کلمه رو نخونیم.
- جزئیات مهم نیستند.
- برای متوجه شدن موضوع اصلی از خودمون بپرسیم؛ متن درباره چی بود؟
- برای مشخص کردن ایده اصلی متن بپرسیم؛ مهم‌ترین موضوعی که نویسنده می‌خواست در موردش حرف بزنه چی بود؟

۲-۴-۵- پیمایش (Scanning)

روشی برای سریع پیدا کردن اطلاعات خاص، حین خوندن متن. مثلاً اعداد، اسم اشخاص، کلمات یا عبارات خاص. با این روش:

- تصویری کامل از اطلاعاتی که به دنبالش هستیم، در ذهن می‌سازیم.
- به دنبال اون اطلاعات در متن می‌گردیم.
- چشم رو سریع روی متن حرکت می‌دیم.
- همه کلمات رو نمی‌خونیم.
- وقتی اطلاعات رو پیدا کردیم، مکث می‌کنیم، جمله رو کامل می‌خونیم و دور اون اطلاعات خط می‌کشیم.

۳-۴-۵- تشخیص مرجع کلمات (Recognizing Reference Words)

به جای تکرار مجدد اسامی اشخاص، مکان‌ها، ایده‌ها، و چیزهایی از این‌دست، از ضمیر مناسب آن استفاده می‌کنیم که حین خواندن باید مرجع آن‌ها را بیابیم. با این روش:

- متن رو می‌خونیم.
- ضمایر (... it, they, them, this, those, that) رو پیدا می‌کنیم.
- توی همون جمله دنبال مرجعش می‌گردیم، که معمولاً نزدیک‌ترین کلمه به آن (عمدتاً قبل از آن) است.
- خیلی کم ممکنه پیش بیاد که کلمه‌ای در جمله قبل ترو یا کلمه‌ای که بعد از مرجع او مدد مواد اشاره قرار بگیره.
- یادتون نره که مرجع یه ضمیر، باید با اون ضمیر از نظر جنس و تعداد همخوینی داشته باشه. مثلاً نمیشه ضمیر ما he باشه اما به که جمع هست اشاره کنه. *Students*

۴-۴-۵ - بر جسته سازی (Highlighting)

یک راه برای به خاطر سپردن اطلاعاتی که خوندیم، هایلایت کردن اون هاست. از طریق:

- Ⓐ هایلایت ایده اصلی متن.
- Ⓑ هایلایت نکات اصلی، و نه جزئیات.
- Ⓒ هایلایت عبارت یا قسمتی از جمله بجای همه آن.
- Ⓓ جمله های زیادی رو در متن هایلایت نکنید.

۴-۵-۱ - هم خانواده ها (Word Families)

یک راه برای پیدا کردن معنی کلمات ناآشنا، ارتباط دادن اونا به کلمات هم خانواده شونه. یا شکستن اونا به اجزای کوچیک تره. یعنی توی کلمات پیچیده، دنبال کلماتی باشید که معنیشونو بله بید. که این کار با شناخت پیشوند و پسوند، بهتر انجام میشه. به این تکنیک word attack میگیم. ریشه، پیشوند و پسوند خیلی دقیق توی جلد ۱ کتاب زبان عمومی زیر ذره بین بررسی شده. بهشون میرسید و این تواناییتون چندین برابر بهتر میشه. مثلًاً:

- | | |
|--|-------------------|
| ☞ endangering: en + danger + ing | به خطر انداختن. |
| ☞ communicative: communicate + tive | ارتباطی |
| ☞ unsuccessfully: un + success + ful + ly | به صورت ناموفقی |
| ☞ increasingly: increasing + ly | به طور فزاینده ای |
| ☞ accidentally: accident + al + ly | تصادفًا |

یا

- | | |
|---|----------------------|
| ☞ disconnection: disconnect / connection / connect | قطع ارتباط |
| ☞ unsystematically: systematically / unsystematic / systematic | به صورت غیرسیستماتیک |
| ☞ incomprehensible: comprehensible / comprehensive | نامفهوم، غیرقابل درک |
| ☞ unexpectedly: expectedly / unexpected / expect | به صورت غیرمنتظره ای |
| ☞ international: national / nation | بین المللی |
| ☞ unchangeable: changeable / unchanged / change | غیرقابل تغییر |

۴-۶-۱ - عنوان (Topic Sentence)

بیشتر پاراگراف های انگلیسی شامل topic sentence هستن. این جمله اغلب اولین جمله پاراگراف است که ایده اصلی رو بیان يا درباره اش توضیح می دهد.

the topic + the idea about that topic or an explanation of the topic

- | | |
|---|---|
| ☞ Topic sentence 1: My sister and I (topic) respect our parents all the time (idea). | خواهم و من همیشه به والدینمون احترام می گذاریم. |
|---|---|

☞ Topic sentence 2: A cheetah (**topic**) is a wild animal from the cat family (**explanation**).

چیتا یه حیوون وحشی از خانواده گربه هاست.

توجه * topic sentence معمولاً اولین جمله و بندرت آخرین جمله پاراگراف است، ولی می‌توانه هر جای پاراگراف قرار بگیره.

توجه * توی مثال‌های بالا فقط یه جمله رو دیدیم. همین به پاراگراف و متن هم قابل تعمیمه. مثلًا پاراگراف اول متن، عنوان رو میگه. یا جمله اول پاراگراف عنوان رو میگه. توی این مثال‌ها هم بخش اول جمله، عنوان اون جمله رو می‌گه.

۴-۷-۵- جملات پشتیبانی کننده (Supporting Sentences)

جملات پشتیبانی کننده از ایده ما، بعد از topic sentence میان و موارد زیر رو توضیح می‌دن:

- توضیح ایده گفته شده در جمله عنوان.
- آوردن دلیل.
- آوردن مثال بیشتر.
- تعریف داستان کوتاه.

۴-۸-۵- نتیجه‌گیری (Concluding Sentence)

آخرین جمله پاراگراف معمولاً concluding sentence هست. این جمله خلاصه‌ای از موضوع و نتیجه‌گیری نهاییه.

توجه * همه پاراگراف‌ها concluding sentences ندارن. این‌ها شکل خیلی خیلی رسمیه یه پاراگرافه و گرنه تمام پاراگراف‌های زبان انگلیسی طبیعتاً از این ترتیب تبعیت نمی‌کنن.

Example



Topic Sentence: it states the main idea of the paragraph.

The most important problem in our city is its poor public transportation system. Thousands of residents rely on the city's buses and taxis to travel throughout this large city, while the Metro Transportation System's daily schedules are totally unreliable. A bus or taxi that should arrive at 7:45 may not arrive until 8:00 or later. Moreover, it is not unusual for a bus driver to pass up groups of people waiting for the bus because he wants to make up for lost time. Unfortunately, people often end up going to work late or missing important appointments. **In order for people to get to their destinations on time, people must allow for waiting time at the bus and taxis stops.**

منبع این عکس: slideplayer.com

Concluding Sentence

Supporting Sentences

۶- افعال بی قاعده (Irregular verbs):

افعال زیر، بخش مهم افعال بی قاعده در زبان انگلیسی هستند. دونستن شکل دوم و سوم اونا الزامیه. هم برای تشخیص زمان افعال و هم برای شکل صفت مفعولی و هم برای فعل مجھول از این استفاده می کنیم. پس یادتون نرہ که انگلیسی بلد نیستید مگراینکه این لیست رو کامل حفظ کنین. تمام این افعال، افعال بسیار ساده زبان انگلیسی هستند که برای سطح مبتدی، دونستن اونا واجبه. یعنی معنی شون هم یاد بگیرید.

توجه * افعال بی قاعده محدود به اینا نیست اما اینا بدون شک مهم ترینشون هستند از این نظر که شامل تمام افعال پایه ای و ساده می شوند. قبلًا هم خوندیم که افعال باقاعده با افزودن ed به زمان گذشته یا شکل سوم فعل تبدیل می شن.

توجه * معانی رو به شکل مصدری نوشتیم. برخی کلمات چندین معنی دارن اما ساده ترین و پر تکرارترین رو جلوشون نوشتیم.

ترجمه	(Base form) شکل ساده	(Past simple) شکل گذشته	(Past participle) شکل سوم فعل
بودن	be	was, were	been
کتک زدن	beat	beat	beaten
شدن	become	became	become
شروع کردن	begin	began	begun
خم کردن	bend	bent	bent
شرط بستن	bet	bet	bet
نیش زدن / گاز گرفتن	bite	bit	bitten
خونریزی کردن	bleed	bled	bled
وزیدن، فوت کردن	blow	blew	blown
شکستن	break	broke	broken
آوردن	bring	brought	brought
پخش کردن	broadcast	broadcast	broadcast
ساختن	build	built	built
سوختن	burn	burned/burnt	burned/burnt
خریدن	buy	bought	bought
گرفتن	catch	caught	caught
انتخاب کردن	choose	chose	chosen
آمدن	come	came	come

۵۳ | افعال بی‌قاعده (Irregular verbs)

مرو، گرامر پایه (دبی-ستان)

ترجمه	(Base form)	(Past simple)	(Past participle)
	شکل ساده	شکل گذشته	شکل سوم فعل
ارزیدن، بها داشتن	cost	cost	cost
قطع کردن، بریدن	cut	cut	cut
انجام دادن	do	did	done
شخم زدن	dig	dug	dug
کشیدن	draw	drew	drawn
خواب دیدن	dream	dreamed/dreamt	dreamed/dreamt
راندن	drive	drove	driven
نوشیدن	drink	drank	drunk
خوردن	eat	ate	eaten
افتدن	fall	fell	fallen
غذا دادن	feed	fed	fed
احساس کردن	feel	felt	felt
مبارزه کردن	fight	fought	fought
پیدا کردن	find	found	found
پرواز کردن	fly	flew	flown
فراموش کردن	forget	forgot	forgotten
بخشیدن	forgive	forgave	forgiven
منجمد کردن / شدن	freeze	froze	frozen
گرفتن، شدن	get	got	got/gotten
دادن	give	gave	given
رفتن	go	went	gone
رشد کردن	grow	grew	grown
آویختن	hang	hung	hung
داشتن	have	had	had
شنیدن	hear	heard	heard
پنهان شدن	hide	hid	hidden
ضربه زدن	hit	hit	hit

ترجمه	(Base form)	(Past simple)	(Past participle)
	شکل ساده	شکل گذشته	شکل سوم فعل
نگه داشتن	hold	held	held
صدمه زدن	hurt	hurt	hurt
حفظ کردن	keep	kept	kept
دانستن	know	knew	known
خواباندن	lay	laid	laid
هدایت کردن	lead	led	led
یادگرفتن	learn	learned/learnt	learned/learnt
ترک کردن	leave	left	left
قرض دادن	lend	lent	lent
اجازه دادن	let	let	let
دراز کشیدن	lie	lay	lain
از دست دادن	lose	lost	lost
ساختن	make	made	made
منظور داشتن	mean	meant	meant
ملاقات کردن	meet	met	met
پرداخت کردن	pay	paid	paid
قرار دادن	put	put	put
ترک کردن	quit	quit	quit
خواندن	read (/ri:d/)	read (/red/)	read (/red/)
سوارشدن	ride	rode	ridden
زنگ زدن	ring	rang	rung
افزایش یافتن	rise	rose	risen
دویدن، اجرا کن	run	ran	run
گفتن	say	said	said
دیدن	see	saw	seen
جستجو کردن	seek	sought	sought
فروختن	sell	sold	sold

۵۵ | افعال بی‌قاعده (Irregular verbs)

مرو، گرامر پایه (دبی-ستان)

ترجمه	(Base form)	(Past simple)	(Past participle)
	شکل ساده	شکل گذشته	شکل سوم فعل
ارسال کردن	send	sent	sent
تنظیم کردن	set	set	set
شلیک کردن	shoot	shot	shot
نشان دادن	show	Showed	Showed/shown
آب رفتن	shrink	shrank	shrunk
بسن، تعطیل کردن	shut	shut	shut
آواز خواندن	sing	sang	sung
فرورفتن	sink	sank	sunk
نشستن	sit	sat	sat
خوابیدن	sleep	slept	slept
صحبت کردن	speak	spoke	spoken
سپری کردن	spend	spent	spent
منتشر کردن	spread	spread	spread
ایستادن	stand	stood	stood
دزدیدن	steal	stole	stolen
شنا کردن	swim	swam	swum
تاب خوردن	swing	swung	swung
گرفتن	take	took	taken
آموزش دادن	teach	taught	taught
گفتن	tell	told	told
فکر کردن	think	thought	thought
پرتاب کردن	throw	threw	thrown
فهمیدن	understand	understood	understood
بیدار شدن	wake	woke	woken
پوشیدن	wear	wore	worn
برنده شدن	win	won	won
نوشتن	write	wrote	written



سری کتاب های «زبان عمومی زیر ذره بین» چیست؟

مجموعه کتاب های «زبان عمومی زیر ذره بین» چاپ انتشارات نگاه دانش، باهدف تقویت دانش زبانی دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی کشور به گونه زیر تألیف شده است:

جلد اول، تحت عنوان «آموزش جامع واژگان» به صورت کاملاً تخصصی، لغات مربوط به کنکورهای دکتری و کارشناسی ارشد را تحلیل نموده و در عین حال منبعی بسیار غنی برای سایر آزمون های زبان داخلی و خارجی است. بدلیل وسعت و تنوع منابع بکار رفته (بیش از ۳۶ منبع) در این جلد از کتاب، می توان آن را منبعی فراتر از سطح کنکور و مناسب برای گسترش دامنه عمومی لغات انگلیسی دانست. این منبع ۲۶۷۵ واژه مهم که هر دانشجو باید بداند را گردآوری نموده است. جلد ۱ را درصورتی که زمان دارید، حتماً مطالعه کنید. بیش از ۵۰۰۰ مثال ترجمه شده از واژه هایی که مکرراً در کنکور تکرار شده اند، تلفظ صوتی و ترجمه تمام واژه ها و ذکر اهمیت هر یک از آن ها با تأکید بر دایره معنایی لغات، در ویرایش جدید این کتاب پرسابقه و قدیمی گنجانده شده است.

جلد دوم، تحت عنوان «گرامر ارشد»، به صورت تخصصی برای پاسخگویی به تست های گرامر کنکور کارشناسی ارشد کلیه رشته ها نگاشته شده است. این جلد، علاوه بر آموزش دقیق مباحث مطرح شده در کنکور ارشد، حاوی پاسخ های دقیق به تست های گرامر ۱۵ سال اخیر کلیه رشته هاست. با مطالعه آن، می توان کاملاً آماده ترجمه متون، تحلیل ساختار جملات و همچنین پاسخگویی به کلوژ تست های گرامری شد.

جلد سوم، تحت عنوان «تست واژگان ارشد و دکتری»، به پاسخگویی سؤالات ۱۵ سال اخیر واژگان در کنکور ارشد کلیه رشته ها و دکتری ۱۲ سال اخیر می پردازد. این جلد علاوه بر این تست ها، تکنیک های پاسخ به سؤالات متون تخصصی و ۲۰ سری تست تالیفی-تحلیلی واژگان را بر اساس منابع کنکور کارشناسی ارشد و دکتری شامل می شود.

کتاب ویژه دکتری (۴)، تحت عنوان «زبان عمومی دکتری زیر ذره بین»، بدون شک جامع ترین منبع کنکور دکتری است. در این جلد علاوه بر آموزش های مربوط با گرامر بر اساس سؤالات ۱۲ سال اخیر دکتری، به مبحث واژگان و پاسخگویی به سؤالات متون نیز نگاهی ویژه شده است. این کتاب، به تنهایی برای پاسخ به سؤالات کنکور دکتری و تست های ریدینگ آزمون های زبان UTEPT، MHLE، EPT، TOLIMO، MSRT کفایت است.

از بخش های مهم این کتاب می توان به این موارد اشاره نمود:

«آموزش جامع گرامر کنکور دکتری و آزمون های زبان» به همراه تست های منتخب و تألیفی و به زبان ساده،

«آموزش جامع واژگان کنکور دکتری» به همراه تست های تألیفی و پوشش لغات چند مرجع بین المللی،

«آموزش تکنیک های پاسخ به سؤالات درک مطلب» به همراه تست های تألیفی و منتخب،

«پاسخ واقعاً تشریحی به سؤالات کنکور دکتری ۱۲ سال اخیر: ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱»،

«تست های منتخب گرامر، واژگان و درک مطلب آزمون های TOLIMO، MHLE، EPT، MSRT و MBA و چند

بخش تکمیلی از تست ها و سؤالات منتخب و تألیفی.

«این ها کتاب نیستند، کلاس درس و انتقال تجربه چندین ساله ما در بحث زبان اند.»

منابع لازم برای کنکور ارشد:

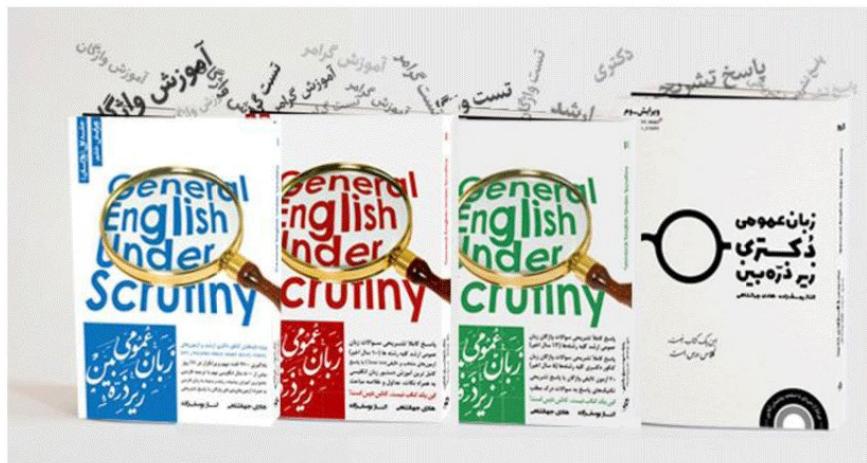
جلد ۱، ۲، ۳ زبان زیر ذره بین

منابع لازم برای کنکور دکتری، MBA، مطالعه آزاد و آزمون های زبان داخلی و خارجی (TOLIMO، MSRT و TOEFL، IELTS، EPT، UTEPT، MHLE و)

جلد ۱ و جلد زبان دکتری زیر ذره بین

کتاب های زبان زیر ذره بین با توجه به اینکه بیش از ۱۴۰,۰۰۰ بار چاپ شده اند، در تمامی کتابفروشی های معتبر تحصیلات تکمیلی کشور قابل خریداری هستند.

لینک های زیر امکان خرید نسخه اصل را فراهم می سازند و همواره آخرین ویرایش کتاب ها را ارائه می دهند. دقیق کنید که اگر خرید اینترنتی برای شما دشوار است، آن را از کتابفروشی شهر خود تهیه فرمایید.



جلد ۱ زبان زیر ذره بین Ⓢ

b2n.ir/buyj1

جلد ۲ زبان زیر ذره بین Ⓣ

b2n.ir/buyj2

جلد ۳ زبان زیر ذره بین Ⓣ

b2n.ir/buyj3

زبان دکتری زیر ذره بین Ⓢ

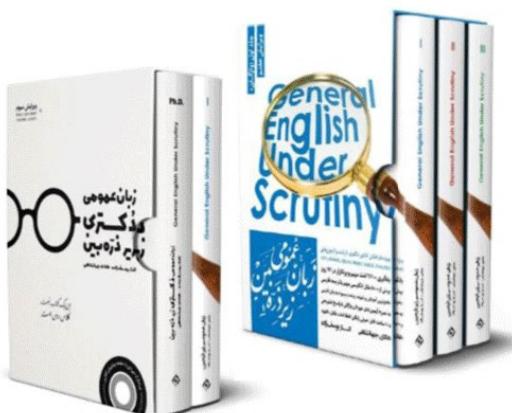
b2n.ir/buyj4

خرید جلد ۱، ۲ و ۳ بصورت یکجا Ⓣ Ⓣ Ⓣ

b2n.ir/buyj123

خرید جلد ۱ و دکتری بصورت یکجا Ⓣ Ⓣ

b2n.ir/buyj14



@GeneralEnglishPlan

مؤلفین: هادی جهانشاهی؛ الناز یوسفزاده و با تشکر ویژه از خانم ثمانه چمنی

انتشار این فایل بدون ذکر منبع، هیچ‌گونه رضایت مؤلف را به همراه ندارد و بالطبع شرعاً حرام و اخلاقاً نادرست است.